



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۱۰۹

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

برای

۱۳۸۸ تیر ۲۴ - ۲۰۰۹ جولای ۱۵

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: siavash\_d@yahoo.com

سردبیر: سیاوش دانشور



## پیام به مادران داغدار و مضطرب

صفحه ۳

آذر ماجدی



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

## "ما می‌گیم خر نمی‌خوایم، پالون خر عوض میشه!"

رویدادهای سیاسی ایران بیانگر یک سیر کلاسیک در تمام کشورهای است که دولت طبقه حاکم دیگر به طرق گذشته نمیتواند حکومت کند و مردم نیز نمی‌خواهند و دیگر گردن نمی‌گذارند. وقتی که این سیر شروع میشود، که در ایران بسیار پیشتر شروع شده و امروز به اوج رسیده است، در میان حکومتی‌ها بخشی پیدا میشود که میخواهد "رفرم" کند، پرسترویکا بیاورد، سلطنت مشروطه بیاورد، از قانون اساسی و سنکر آن دفاع کند، و "جامعه مدنی" بیاورد!

حقیقت اینست که اینها اسم رمز است و بیانگر واقعیت سیاسی جامعه و وجوه کشمکش طبقاتی نیست. اینها عباراتی است که راه حل بخشی از طبقه حاکم برای مقابله با طوفان در جامعه در قالب آن بیان میشود. خیل شخصیتها و شبه دمکراتها و رفرمیستها بمیدان می آیند تا در مقابل سیل در راه سدی ببندند. منطبق طرفین نیز ساده است: خط افراطی یا اصطلاحاً "هارد لاینرها" هر گونه عقب نشینی را معادل نابودی کل سیستم میدانند. خط مقابل و تازه دمکراتهایی که تا دیروز هم کاسه اولیها بودند، فکر میکنند که این مسیر خیرش را رسانده و تداومش معادل نابودی کل سیستم و نظام است. هر دویشان راست میگویند و هیچکدامشان راه حلی ندارند. مردم این پدیده و شکاف در بالا را میبینند و هر روز تلاش میکنند آن را عمیق کنند و به نفع مبارزه آزادیخواهانه و اهداف واقعی خود از آن سود ببرند. برخی هم هستند که همواره صورت ظاهر مسائل و همان اسم رمزها را از دولتها و جناح هایش میگیرند و سیاست خود را له یا علیه آن براین اساس تنظیم میکنند. اینها، هرچه باشند، یا در کمپ بالائینها شمشیر میزنند و یا پائینی‌ها را با اندرزه‌های ایدئولوژیک و مذهبی گونه شان ارشاد میکنند.

صفحه ۲



## ما و جامعه

رهبری، اتحاد عمل اپوزیسیون، سرنگونی،  
"انقلاب"، انقلاب کارگری

صفحه ۴

علی جوادی



## مردم باید انتخاب کنند

گفتگو با منصور حکمت درباره وحدت اپوزیسیون

صفحه ۶



## فراخوان؛ کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی!

صفحه ۸

هما ارجمند

## پرچم رفسنجانی

وحشت از مردم، دفاع از نظام

صفحه ۹

سیاوش دانشور

نه خامنه ای میخواهیم نه منتظری  
مرگ بر جمهوری اسلامی

## زنده باد شوراها

هشدار!

مقابل فاشیسم اسلامی بایستیم!  
اخراج اجباری کارگران از  
شهر وایگان

۱۸ تیر

کامران پایدار  
پدرام نواندیش

آزادی، برابری،  
رفاه چکیده  
خواست مردم  
آذر ماجدی

در صفحات دیگر؛ انفجار بمب در سنجند، سهراب ما نمرده، این دولته که مرده، کارگران مهرکام پارس، گزارشی از سنجند، دو زن در آستانه اعدام، ... و ستون آخر.

## "ما می‌گیم خر نمی‌خوایم، پالون خر عوض میشه!" ...

مردم می‌گویند حجاب و آپارتاید اسلامی نمی‌خواهیم، عده ای می‌گویند خانم مسلمان میلیاردری هست که در پارک و در معیت نگهبانان و بادیگارد‌ها دوچرخه سواری میکند و یکی حزب اللهی دیگر نیز هست که روسری اش گل گلی است! مردم می‌گویند اختناق نمی‌خواهیم، قانون ارتجاعی تان را نمی‌خواهیم، عده ای می‌گویند اعتراض قانونی و مسالمت آمیز در چهارچوب قانون! مردم می‌گویند فقر و گرسنگی نمی‌خواهیم، حکومت دزدان و سرمایه داران نمی‌خواهیم، پاسخ می‌شنوند که عده ای فاسد اند و باید افشا شوند! مردم می‌گویند خامنه ای و سلطنت و ولی فقیه نمی‌خواهیم، عده ای دنبال ولی فقیه "نرمر" اند و خاکریز شورای رهبری ولایت را آماده می‌کنند! یادش بخیر نسل انقلابیون ۵۷ که بشمارشان در خاوران ها و "تف آباد ها" و "لعنت آبادها" و در گورهای دسته جمعی بی نام و نشان آرمیده اند. آنها در مقابل همین سیر در انقلاب ۵۷ که اویسی ها و از هاری ها و بنی احمد ها و بختیارها را میگذاشت، در خیابان پاسخ دادند؛ "ما می‌گیم خر نمی‌خوایم، پالون خر عوض میشه!" حالا ما می‌گیم جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم و عده ای می‌خواهند ما را به عهد خمینی و منتظری یعنی ستونهای همین نظام آدمکش برگردانند!

محور یک سیاست انقلابی در ایندوران باید روی شکستن نقاط سازش تمرکز کند. در این مسیر ایستگاههای متعدد وجود دارد و هر ایستگاهی محصول سازش و کشمکش و تشدید بن بست در بالا و کمپ طرفداران وضع موجود است. هر ایستگاهی محصول اینست که بالائی ها تلاش میکنند وقت بخرند، نیرویشان را جمع کنند، تجدید قوا کنند تا مردم را عقب برانند و سرکوب کنند. یک سیاست انقلابی اینست که فرصت ندهد، نقاط سازش را در نطفه شکست دهد و راه پیشروی کل جنبش اعتراضی علیه حکومت را

بگشاید. زنان اگر می‌خواهند آزاد شوند نباید سر سوزنی با نظام آپارتاید جنسی و قوانین ضد زن سازش کنند، برابری کامل و بی‌قید و شرط زن و مرد با هیچ نوع اسلام و حکومت اسلامی متحقق نمیشود! آزادی سیاسی در جامعه با بزک کردن اختناق و ارتجاع متحقق نمیشود، برای کسب وسیعترین آزادیها باید کلیه ارکان ارتجاع و اختناق را درهم کوبید! فرهنگ ارتجاعی و سنتی و عقب ماندگی اخلاقی با عوض کردن آخوند با مکلا و یا دولت اسلامی با جمهوری تغییر نمیکند، باید علیه سیستم فرهنگی و اخلاقی مسلط جامعه شورید! باید علیه ارزشها و اخلاقیات مسلط شورید! خلاصی از مذهب و ارتجاع مذهبی در هر پوششی با "رفرم" در مذهب و اختیارات دستگاه مذهب متحقق نمیشود، باید دست مذهب را از سر زندگی مردم کوتاه کرد! فقر و فلاکت و گرسنگی و ناامنی اقتصادی و اجتماعی و بیکاری و خیابان خوابی با حکومت مبتنی بر طبقات و سرمایه دار و کارگر و مزد بگیر و مزد بده از بین نمیرود، برای تحقق کامل برابری اقتصادی و اجتماعی باید ارکانهای نظم سرمایه و جامعه مبتنی بر طبقات را درهم کوبید که نابرابری بنیادی قانون اساسی اش است!

### کارگران، زنان و مردان آزادیخواه!

هیچ نوع سازشی را با حکومت اسلامی نپذیرید! هیچ نوع زن ستیزی و بیحقوقی را نپذیرید! یک ذره تبعیض را قبول نکنید! هیچ نوع زعامت آخوند و دستگاه مذهب را نپذیرید! دست رد به سینه هر نوع اسلام حکومتی و غیر حکومتی بزنید! هیچ نوع نابرابری و فقر را قبول نکنید! هیچ نوع وعده آزادی را از بانیان اختناق نپذیرید! این جانپان و قاتلین حرفه ای در ته راه اند. همه شان باید بروند. دوره اسلام و حکومت اسلامی در ایران پایان رسیده و همراه آن باید به دوره زن ستیزی، اختناق سیاسی صد ساله، نابرابری و تبعیض، و جامعه طبقاتی پایان داد! \*

## مردم نه خامنه ای می‌خواهند و نه منتظری! مرگ بر جمهوری اسلامی

رژیم اسلامی وارد سرازیری مرگش شده است. خیل مرتجع آیت الله های مفت خور و سنگین وزن هر کدام از سوئی زوزه میکشند تا سفره اسلام و آخوندها را از خامنه ای و شرکا جدا کنند. هر کدام از منتظری تا صانعی و گلپایگانی و دیگران در پوشش "پاسخ به سوال" جلو افتاده اند تا کل این دستگاه لغت و لیس را نجات دهند. توده ایها قبلتر روی این مفتخوران بعنوان "مراجع" نور انداخته اند و مشخصا منتظری را برجسته کرده اند. نامه و توصیه اخیر مسعود رجوی به مجلس خبرگان برای جایگزینی موقت منتظری نیز از همین جنس است.

مردم ایران نه خامنه ای می‌خواهند و نه منتظری و نه هیچ مرتجع اسلامی دیگری. این مردم به میدان نیامده اند تا دستگاه سلطنتی ولایت را از خامنه ای بگیرند و دست امثال منتظری بدهند! این مردم بمیدان نیامدند تا چاقو و شلاق و تفنگ را از دست لمین اسلامیهای احمدی نژاد بگیرند و دست موسوی و رفسنجانی بدهند. این مردم حکومت اسلامی نمی‌خواهند. این نسل جدید اسلام نمی‌خواهند. کسانی که سر دادن هر شعاری را در هر تناسب قوایی به خواست واقعی مردم ترجمه میکنند، یا از سیاست درکی ندارند و یا آگاهانه می‌خواهند اعتراض مردم به حکومت اسلامی را قالب بزنند. دوران هر نوع اسلامی در ایران پایان رسیده است. حرف مردم این است؛ مرگ بر جمهوری اسلامی!

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ تیر ۱۳۸۸ - ۱۴ جولای ۲۰۰۹



## "سهراب ما نمرده، این دولته که مرده!"

بنا به خبر دریافتی، امروز بیش از ۵۰۰۰ نفر در شهرک آپادانا کوی نرگس در سوگ سهراب اعرابی به تظاهرات پرداختند. جمعیت حدود یکساعت با شعار "سهراب ما نمرده این دولته که مرده" تظاهرات کردند و یاد سهراب را گرامی داشتند. بنا به همین گزارش شهرک اکباتان امشب شلوغ است و مردم مترصد ادامه اعتراض هستند.

گزارشات منتشر شده امروز حاکی از وجود صدها جنازه در سردخانه ها است که شاهدان عینی آن را مشاهده کرده اند. قرار بود قتل ندها و سهراب ها جامعه را مرعوب و ساکت کند. اما نتیجه برعکس است و هر روز بیشتر نفرت از دولت و حکومت اسلامی عمیق تر میشود. این شعار به گویاترین شکلی رابطه کنونی مردم به حکومت را بیان میکند. مردم حکومت اسلامی قاتلین و متجاوزین نمی‌خواهند. این رژیم رفتنی است. برای پایان دادن به قتل و جنایت باید رژیم مبتنی بر قتل و جنایت را بزیر بکشیم.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ تیر ۱۳۸۸ - ۱۴ جولای ۲۰۰۹

## پیام به مادران داغدار و مضطرب

آنر ماجدی



سهراب، ندا، کیانوش،  
یعقوب، مهرداد، ...



### رژیم قاتلین را در پیشگاه مردم محاکمه خواهیم کرد!

ندا آقا سلطان نه اولی بود و نه آخری. سهراب اعرابی را هم کشتند. یعقوب بروایه، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نمایش را هم کشتند. مهرداد حیدری روزنامه نگار خراسانی نیز روز شنبه به طرز مشکوکی در مشهد به قتل رسید. اخبار از لیستی ۵۰ الی ۶۰ نفره از جان باختگان سخن میگوید. عده ای را دارند سر به نیست میکنند. عده ای را دارند به عنوان "قاچاقچی و قاتل" اعدام میکنند. ماشین اعدام و شکنجه و نمایش نخ نمای برنامه "هویت" هنوز تنها راه این جانیان است.

اما چند نفر را میخواهند بکشند؟ میلیونها نفر را نمیتوانند بکشند. اگر این مردم مرعوب شده بودند با این همه اعدام و سنگسار و ترور تاکنون ساکت شده بودند. رژیم قاتلین ته خط است. بزودی سرنگون شان میکنیم و همه سران جنایت طی سی سال گذشته را در دادگاههای منتخب و عادلانه مردم در پیشگاه جامعه و جهانیان محاکمه خواهیم کرد. ما انتقام جو نیستیم و مخالف قاطع اعدام و شکنجه هستیم اما ما نه این جانیان را میبخشیم و نه فراموش میکنیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری صمیمانه به بازماندگان و اعضای محترم خانواده جانباختگان تسلیت میگوید. برای پایان دادن به قتل و جنایت باید رژیم مبتنی بر قتل و جنایت را بزیر کشید.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ تیر ۱۳۸۸ - ۱۳ جولای ۲۰۰۹

قلب های شما اکنون آغشته به درد و انباشته از غم و اضطراب است. مادرانی که فرزند دلبنده خود را در نیردی نابرابر با این رژیم جنایتکار از دست داده اند اکنون غمی جانگناه بر قلب هایشان سنگینی میکند. برای یک مادر و پدر هیچ دردی با درد از دست دادن فرزند برابری نمیکند. بعنوان یک مادر خود را صمیمانه در درد و غمتان سهیم میدانم و شجاعت و استقامت تان را تحسین میکنم.

میر حسین موسوی خود یکی از مسببین شکنجه و قتل و عام صدها جوان در زندان های جمهوری اسلامی است. موسوی خوب میداند که مادران و پدران بسیاری در کمین او نشسته اند تا بعنوان یکی از مسببین قتل و عام دهه 60 در زندان های رژیم او را به محاکمه بکشانند. بهت و استیصال او در مقابل سخنان مادر سهراب بروزی از هراس درونی او در مقابل عدالت خواهی هزاران مادر و پدر داغیده است.

#### مادران!

حاصل سه نسل سرکوب و کشتار، هزاران هزار مادر داغیده است. این مادران دشمنان سرسخت و آشتی ناپذیر جمهوری اسلامی اند. تمام مادران را به مبارزه مشترک برای آزادی زندانیان سیاسی فراخوانید. زندان اوین را به محل تجمع هر روزه برای آزادی زندانیان سیاسی بدل کنید. در این مبارزه تنها نیستید. نه تنها تمام مادران داغدار، بلکه مردم را به همراهی در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فراخوانید.

رژیم درگیر آخرین نبرد حیات اش است. باید این رژیم را به زیر کشیم. باید تمام سردمداران آن را برای جنایات شان به محاکمه بکشانیم. محاکمه سران رژیم و مسببین کشتار هزاران هزار انسان بهترین التیام درد جانگناه مادران داغیده است. باید آرزوی فرزندان دلبندهمان را متحقق کنیم. باید نشان دهیم که مبارزه آنها و از خود گذشتگی شان بی حاصل نبوده است. آزادی، برابری و رفاه خواست میلیونها انسان است که در کمین این رژیم نشسته اند. رژیم اسلامی را به زیر کشیم. اسارتگاه سیاه و شوم اوین را فتح کنیم. این جلادان را به محاکمه بکشانیم و آزادی، برابری و رفاه را به ارمغان آوریم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

24 تیر 1388 - 15 ژوئیه 2009

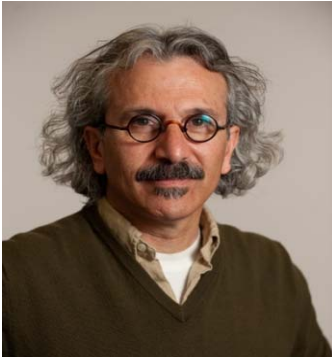
مادرانی که از فرزندان خود بیخبرند، مادرانی که هر روز به زندان اوین میروند تا خبری از جگرگوشه گانشان بدست آورند، با اضطرابی کشته دست و پنجه نرم میکنند. هر روز با امید و انتظار روانه این مسیر شوم میشوند. هر روز با خشم فرو خورده در مقابل این اسارتگاهی که درد و فریاد و مرگ هزاران جوان را در خود محبوس ساخته است، اجتماع میکنند. آنها فقط میخواهند بدانند که بر فرزندان شان چه گذشته است. اما این جلادان با ریشخند درد و رنج این مادران را نظاره میکنند.

فرزندان شما به قهرمان بدل شده اند. فرزندان شما برای آزادی به خیابان ها آمدند. فرزندان شما، این انسان های شریف و آزادیخواه مایه افتخار اند. ندهاها، سهراب ها، یعقوب ها، اشکان ها و ترانه ها بعنوان جوانان پرشوری که در راه آزادی جان باختند نامشان در تاریخ به ثبت خواهد رسید. یعقوب در لحظات واپسین دست در دست مادرش نهاد و به او گفت که "من برای آزادی می میرم." اگر سهراب، ندا، اشکان و ترانه هم میتوانستند با مادران خود وداع کنند، همین را میگفتند.

مادر سهراب با شجاعت و صلابت ستودنی از سهراب و از تلاش او سخن میگوید و تلاش سهراب را در سال 1388 با تلاش خود در 1357 برای به زیر کشیدن نظام سلطنت مقایسه میکند. او روحیه سازش ناپذیر و رزمنده مادران ایران را نمایندگی میکند. میرحسین موسوی و زهرا رهنورد در برابر شجاعت، استحکام و صراحت او مبهور و عاجز میشوند. آنها باران خواسته بودند، سیل دریافت کردند. آنها خوب میدانند که قادر نخواهند بود این شعله های خشم را خاموش کنند. خوب میدانند که توان ساکت کردن این

## ما و جامعه

رهبری، اتحاد عمل اپوزیسیون، سرنگونی، "انقلاب"، انقلاب کارگری  
علی جوادی



یک انقلاب کارگری تلاش میکنیم. ما همزمان برای پیروزی جنبش سرنگونی طلبانه مردم و انقلاب کارگری تلاش میکنیم. انقلاب کارگری کم مشقت ترین، متمدن ترین، انسانی ترین، رادیکال ترین شیوه برای تعیین تکلیف با نظام اسلامی و سرمایه داری حاکم بر جامعه است. انقلاب کارگری انقلابی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است. انقلابی است برای خلع ید از حاکمیت سیاسی حاضر و در هم شکستن مناسبات اقتصادی و سیاسی ای که کل نظام کربیه و ضد انسانی موجود بر آن استوار است. انقلاب کارگری انقلابی برای خلع ید از سرمایه در سیاست و اقتصاد است. صرفاً تغییری در رژیم سیاسی موجود نیست. کل بنیادهای اقتصادی و سیاسی حاکم را مورد تعرض قرار میدهد.

اما این مفاهیم در ادبیات سیاسی پوپولیسم و یا حتی ادبیات سیاسی جاری در جامعه معنا و تعبیر یکسانی ندارد. انقلاب در سنت و سیاست پوپولیستی یک "انقلاب همگانی" است. عمدتاً به تغییر سیاسی رژیم حاکم اشاره دارد. محتوای طبقاتی و اجتماعی انقلاب در پرده مفاهیم غیر طبقاتی و عموم خلقی پوشانده میشود. در این سنت محتوای طبقاتی و اجتماعی انقلاب به طرح مطالباتی اقتصادی و رفاهی و رفرمیستی محدود و خلاصه میشود. در این سنت هر تحول و خیزشی اساساً "انقلاب" نامیده میشود. خط سیاسی حاکم بر "حزب کمونیست کارگری" دارای چنین مختصاتی است. سازمان مجاهدین خلق هم ید طولانی در این سنت پوپولیستی دارد.

خود را پابرجا نگهداشته است و دو روز فلج شدن دستگاه سرکوب آن مترادف با سقوط این رژیم است. جنبش کمونیسم کارگری به این دیدگاه تعلق دارد. مبانی سیاسی و نظری این نگرش به طور روشن و همه جانبه ای در ادبیات سیاسی منصور حکمت فورموله و بیان شده است. در این دیدگاه رژیم اسلامی محکوم به زوال و سرنگونی است و دو مقوله علی العموم در این راستا در زمینه چگونگی سرنگونی رژیم اسلامی مطرح است. آیا رژیم اسلامی با یک انقلاب سرنگون میشود یا اینکه در پس خیزش توده های مردم و در فازی از جنبش سرنگونی سقوط میکند؟

ما همواره تاکید کرده ایم که انقلاب ایران از نقطه نظر جنبش کمونیسم کارگری و طبقه ما تنها یک انقلاب کارگری خواهد بود. انقلابی "با هدف اثباتی ایجاد یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی" (منصور حکمت) ما بر خلاف این نگرش پوپولیستی تاکید کرده ایم که "جنبش مردم برای سرنگونی را، با همه خیزشها و قیامها و نبردهایی که در برخواهد داشت، از انقلابی که میتواند از دل این جنبش عروج کند" باید متمایز کرد. تفکیک این دو مقوله یک رکن نگرش کمونیستی در بررسی تحولات حاضر و یک مولفه اساسی در مرزبندی با نگرش پوپولیستی در برخورد به همین تحولات است. از نظر ما "رژیم اسلامی میتواند در نتیجه یک قیام شهری در تهران سقوط کند، میتواند در نتیجه یک قیام شهری و در تهران سقوط کند، میتواند با یک کودتا از بین برود ... جنبش سرنگونی طلبی میتواند پیروز شود بی آنکه لزوماً کل ماشین دولتی را هدف گرفته باشد. (منصور حکمت)

ما کمونیستیم و برای سازماندهی انقلاب کارگری کمونیستی فعالیت میکنیم. ما برای سرنگونی رژیم اسلامی در پس

رژیمی قابل قبول و سازگار برای جامعه زمان خود تبدیل کند، آن را به رژیم متعارف تبدیل کند. این دیدگاه خواهان اصلاح رژیم بمنظور حفظ و بقای آن است. تاکید میکند که جوهر اعتراضات اخیر نه بر سر نفس وجودی رژیم اسلامی، نه بر سر سرنگونی رژیم اسلامی، بلکه بر سر تعدی به "رای مردمی" است که در "انتخابات" اخیر رژیم اسلامی شرکت کردند و به "کاندیدای اصلاح طلب" رای دادند. این دیدگاه در عین حال وجه مشترک تمامی تزاها و نگرشهایی است که سرنگونی را رد میکنند. این دیدگاه فصل مشترک بسیاری از نیروهای خارج از حاکمیت اسلامی هم هست. جریانات توده ای و اکثریتی و کلا کسانی که سرنگونی را رد میکنند در مبانی فکری خود با این چهارچوب شریکند. تبیین رسمی و غیر رسمی دول غربی از تحولات جاری ایران نیز در این چهارچوب قرار دارد. تبیین های اخیر کورش مدرسی هم بعضاً در این چهارچوب قرار میگیرد.

تبیین دیگر نگرشی است که جوهر تحولات حاضر را در بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کلیت رژیم اسلامی میداند. موقعیت سیاسی فعلی را ناشی از تلاش مردم برای بزیر کشیدن کل موجودیتی میداند که در تناقض با یک واقعیت تاریخی قرار دارد. اوضاع حاضر را مرحله ای از روند سقوط و نابودی رژیم اسلامی میداند که از ده سال پیش در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بطور علنی ابراز وجود کرد. در این نگرش رژیم اسلامی در یک بن بست تاریخی قرار دارد که دارای زمینه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی معین و روشنی است. در این چهارچوب فکری راه حلی برای رژیم اسلامی متصور نیست. رژیم اسلامی رفتنی است. مردم هم دست به کار بزیر کشیدن آن هستند. این رژیم تنها با سرکوب خشن و وحشیانه روزمره سیستم

با اوج گیری جنبش توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی و شروع خیزشهای اجتماعی بار دیگر مسائل عدیده ای از جمله رهبری این جنبش توده ای، اتحاد نیروهای اپوزیسیون، مناسبات میان نیروهای درون جنبش های اجتماعی و همچنین مقولاتی از قبیل سرنگونی، "انقلاب"، و انقلابی کارگری به مساله حاد جنبش ما تبدیل کرده است. در اینجا به سه نکته اساسی در این راستا اشاره میکنم:

### سرنگونی، "انقلاب"، انقلاب کارگری

خیزش توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی در دوران کنونی باردیگر بحث نفس تحول و اتفاقی را که در جریان است را با شدت بیشتری در مقابل جامعه قرار داده است. همگان قبول دارند که اتفاقات و تحولاتی در جریان است. جامعه تغییرات غیر قابل انکاری را از سر میگذراند. اما سؤال این است که چه اتفاقی و چه تحولی در شرف وقوع و در حال شکل گیری است؟ در پاسخ باید تاکید کرد که کماکان دو دیدگاه در جامعه رو در روی هم قرار دارند.

یکی تبیینی است که ریشه در دوم خرداد و بنیادهای فکری آن جنبش ارتجاعی دارد که امروز در ائتلاف موسوی - کروبی - خاتمی و جریانات اصلاح طلب حکومتی نمایندگی میشود. این نگرش در اساس خود معتقد و یا پایبند به نظام اسلامی است. بنیادهای فکری و سیاسی این سیستم را می پذیرد. جوهر و هدف تلاشهای فعلی را تلاشی برای انطباق حکومت اسلامی با شرایط زندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در جامعه ایران و جامعه بین المللی کنونی می شمارد. می خواهد رژیم اسلامی را به

## ما و جامعه

رهبری، اتحاد عمل اپوزیسیون، سرنگونی، "انقلاب"،  
انقلاب کارگری ...

اگر از نظر ما انقلاب تنها میتواند یک انقلاب کارگری باشد اما همین مقوله در ادبیات سیاسی جامعه و بعضا اذهان عمومی معنایی "علی العموم" و "عامی" دارد. در ادبیات سیاسی ژورنالیسم بورژوازی نیز بعضا هر حرکت و تحول گسترده و از پائین و توده ای را "انقلاب" نام میگذارند. اگر خیزش توده ها گسترده باشد، عمومی باشد، همه جانبه باشد، به آن "انقلاب" میگویند. بطور مثال تحولات شش روزه ده سال پیش در ۱۸ تیر را بسیاری از ژورنالیستها آغاز یک "انقلاب" لقب دادند. و یا در بررسی تحولات حاضر مقوله "انقلاب" به طور گسترده ای به کار گرفته شده است.

اطلاق "انقلاب" به تحولات حاضر در عین حال یک عقب نشینی و یا کنار زده شدن تبیین "اصلاح طلبانه" از تحولات حاضر در جامعه است. چرا که هدف هر انقلابی بنا به تعریف "قدرت سیاسی حاکم" و بزیر کشیدن آن است و نه "اصلاح" آن بمنظور بقاء و تداومش. این برای ژورنالیسم و متفکرین بورژوازی که سالیان سال هزینه کردند، تبلیغ کردند، کاغذ سیاه کردند و در مذمت انقلاب و تحولات دگرگون کننده قلمفرسایی کردند یک شکست سیاسی - تبلیغی است. جایگزینی مفهوم انقلاب در مقابل مقولاتی از قبیل "جنبش مدنی"، "تحولات تدریجی" و یا مترادف قرار دادن انقلاب و خشونت و امثالهم یک پیشروی است. این جنبه "مثبت" کار برد انقلاب در تحولات جاری است.

در هر حال در بررسی "عام" از تحولات حاضر باید گفت که شاید ابعاد خیزش توده های مردم علیه رژیم آن چنان وسیع باشد که بتوان آن را علی العموم یک "انقلاب" نامید و نام آن را انقلاب

گذاشت. اما در عین حال باید تاکید کرد که انقلاب در سنت و از نظر ما به کدام تحول اجتماعی و طبقاتی اطلاق میشود. چه اهداف و چه ملزوماتی دارد. تفکیک مقولات "سرنگونی"، "انقلاب" و "انقلاب کارگری" یک مساله مهم در ارزیابی از تحولات سیاسی جامعه و ارائه دقیق و طبقاتی از سیر تحولات حاضر است.

### اتحاد عمل: کدام نیروها؟ کدام جنبش؟

بحث "اتحاد عمل" یک بحث همیشگی در اپوزیسیون است. پاسخ ما به این سؤال روشن است، اتحاد عمل میان نیروهای کدام جنبش؟ نیروهای سیاسی همه از یک جنس و متعلق به یک جنبش اجتماعی نیستند. ما اتحاد عملی با نیروهای جنبش ملی اسلامی و یا نیروهای ناسیونالیسم پرو غربی نداریم. در توضیح به چند نکته باید اشاره کوتاهی کرد. ما در عین حال که از اتحاد عمل میان نیروهای جنبش خودمان دفاع میکنیم از هرگونه اتحاد عملی میان نیروهای متعلق به جنبش های متفاوت اجتماعی اجتناب میکنیم و آن را به حال جنبش خودمان و کمونیسم و کارگر مضر میدانیم.

ببینید یک رکن دائم فعالیت حزب اتحاد کمونیسم کارگری پیشبرد و پراتیک کردن کمونیسم کارگری منصور حکمت است. کمونیسم از نقطه نظر ما تنها با پرچم کمونیسم کارگری منصور حکمت میتواند در ایران پیروز شود. ما در این دوران بر خلاف برخی نیروهای منتسب به کمونیسم کارگری بجای "اتحاد عمل" و "همکاری" با نیروهای جریانات راست پرو غربی بر سر و سامان دادن به نیروها و فعالیتهای کمونیسم کارگری و قدرتمند کردن تحزب و جنبش کمونیسم کارگری تاکید اکید داریم. ما توهمی به اتحاد میان نیروهای جنبش های نامتجانس نداریم. اما

عدم استقبال از "اتحاد عمل" میان نیروهای نامتجانس سیاسی به معنای دست یابی به حداقل هایی در مبارزه سیاسی جاری نیست. از این رو بجای تخریب دیوارهای جنبش های اجتماعی و "اتحاد عمل" با این نیروها دست به تدوین و انتشار منشور "آزادی، برابری، رفاه" زدیم. این منشور در عین حال و علاوه بر طرح مطالبات فوری مردم گامی در تعیین بخشی به آن "اصول حداقلی" است که اکنون بعنوان "یک منشور حقوق پایه ای مردم تعریف" و بیان شده است. این منشور از نظر ما مبنایی برای "اتحاد عمل" میان نیروهای متعلق به جنبش های متفاوت اجتماعی نیست. بلکه مقررات بازی را تعریف میکند. زمینی را ترسیم میکند که هریک از این جریانات در آن برای پیروزی خط مشی و جنبش خویش تلاش میکنند. این جنبشها قبل از جمهوری اسلامی بوده اند و بعد از آنها خواهند بود. هریک برای برقراری نظام و جامعه مطلوب خود تلاش میکنند. مبارزه برای سرنگونی حکومت، بخشی از یک جدال وسیع تر بر سر این آلترناتیو هاست. "منصور حکمت" و بار دیگر تاکید میکنیم که اردوی سرنگونی طلبی در ایران ابداً یک اردوی یک دست و "همه با هم نیست". تلاش برای ایجاد چنین تصور یا حرکت از چنین تلقی ای تنها خاک پاشیدن بر چشم جامعه و کارگر و کمونیسم است.

### جنبش سرنگونی، رهبری: ملزومات و شرایط

همانطور که تاکنون تاکید کرده ایم مساله تامین رهبری جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم در گرو "اتحاد نیروهای اپوزیسیون" نیست. در گرو سازش و یا توافقات رهبران احزاب و جریانات سیاسی نیست. منوط به معدل گیری یا مخرج مشترک گرفتن میان نیروهای مختلف نیست. بلکه حاصل یک انتخاب اجتماعی و سیاسی توسط جامعه و مردم است. انتخابی میان چپ و

راست. انتخابی میان دو افق اجتماعی و دو چشم انداز. انتخابی میان دو جنبش اجتماعی راست پرو غربی و چپ کمونیست و کارگر. این انتخابی حزبی و سازمانی در درجه اول نیست. انتخابی اجتماعی و جنبشی است. شکل گیری رهبری در این راستا تابعی از روی آوری توده های مردم به این آلترناتیو اجتماعی است. آیا جامعه به راست پرو غربی و افق و شیوه های این جنبش متکی میشود یا بر عکس به چپ و کمونیسم و کارگر و انقلابی اجتماعی برای خلاصی از مصائب موجود و سرنگونی رژیم اسلامی روی می آورد؟ کدامیک؟ باید تصریح کرد که این سؤال اکنون بخشا پاسخ گرفته است. روی آوری توده های مردم، خیزشهای اخیر، جنگ و نبردهای خیابانی، گسترش رادیکالیسم توده ای، اتکاء به قدرت خود و از پائین، گوشه ای از این پاسخ و انتخاب اجتماعی است. یک مساله حیاتی ما این است که باید ملزومات و شرایط کافی برای به سرانجام رساندن این انتخاب اجتماعی را فراهم کنیم. پیروزی و پیشروی این جنبش و سرنگونی رژیم اسلامی در عین حال در گرو تامین این حلقه گرهی است. یک مولفه اساسی در این راستا زدن ایستگاههایی است که جنبش های راست پرو غربی و جنبش ملی اسلامی در مقابل پیشروی مردم برای سرنگونی و تعیین تکلیف نهایی رادیکال و انقلابی با رژیم اسلامی قرار میدهند. این مساله بار دیگر تاکید را بجای درگیر شدن با "اتحاد عمل" با این نیروها بر نقد همه جانبه آنها در پروسه تامین ملزومات سرنگونی رژیم اسلامی و تبدیل "نه" کمونیسم کارگری به "نه" جامعه و مردم، میگذارد.

### بجای موخره

مطالعه عمیق گفتگو با منصور حکمت در مورد "وحدت اپوزیسیون" را به همه فعالین کمونیسم کارگری توصیه میکنم. اما پیش از آن باید به نکته ای اشاره کرد: حزب کمونیست کارگری مورد اشاره منصور

## مردم باید انتخاب کنند

### گفتگو با منصور حکمت درباره وحدت اپوزیسیون

**هفتگی:** بیزاری مردم از جمهوری اسلامی و خواست عاجل مردم برای سرنگونی آن، این سوال اساسی را برجسته کرده است که این رژیم را چگونه باید انداخت. در این رابطه خیلی از مردم مساله وحدت احزاب اپوزیسیون سرنگونی طلب را مطرح میکنند و این سوال را جلوی حزب کمونیست کارگری هم قرار میدهند. میگویند ضعف اپوزیسیون در مقابل رژیم اسلامی از عدم اتحاد آنهاست و میپرسند چرا اتحاد نمیکند؟

**منصور حکمت:** برخلاف طیف ملی اسلامی، که از خاتمی و جباریان و منتظری تا نهضت آزادی و اکثریت و راه کارگر، یک خاندان سیاسی و یک جنبش اجتماعی واحد را نمایندگی میکنند، احزاب سرنگونی طلب در اپوزیسیون ایران در قطب های کاملا متفاوت و حتی متقابل یکدیگر قرار گرفته اند. دو جریان اصلی در اپوزیسیون سرنگونی طلب هست، کمونیسم رادیکال، که سازمان اصلی و شاخص آن حزب کمونیست کارگری است، و طیف ناسیونالیستهای طرفدار غرب که عمدتاً حول رضا پهلوی گرد آمده اند. مجاهدین خلق را هم بعنوان یک سازمان سیاسی بزرگ و فعال میشود به این دو اضافه کرد، هرچند این سازمان، برخلاف دو جریان دیگر نوک یک جنبش اجتماعی وسیع تر و فرا سازمانی نیست و اساساً یک موجودیت سازمانی قائم به ذات است. فکر نمیکنم کسی با اندک شناختی از سیاست در ایران و جایگاه اجتماعی و مواضع این سه جریان بتواند از اتحاد اینها بعنوان یک امر واقعی قابل حصول و یا مطلوب حرف بزند. من این را درک میکنم که جان مردم به لبشان رسیده و فکر میکنند همه باید "دست به دست هم بدهند" تا رژیم اسلامی را سرنگون کنند. اما میان تبیین احساسی و محاسبات سرانگشتی مردم با درک دینامیسیم های تحول سیاسی در جامعه فرق هست. در درون طیف ملی-اسلامی حول مناجات و دعا برای سلامتی مزاج آقای منتظری میشود متحد شد، در طیف سرنگونی طلبان، اما، تفاوتها عمیق است.

**هفتگی:** روشن است که احزاب سیاسی مخالف جمهوری اسلامی از جهاتی با هم اختلاف دارند، اما گفته میشود که حداقل از این جنبه که همگی روی سرنگونی جمهوری اسلامی توافق دارند، میشود روی این جنبه توافق کار مشترک انجام داد. در این باره نظراتان چیست؟

**منصور حکمت:** بنظر من بجای "کار مشترک"، که با توجه به جدایی اجتماعی جدی این جریانات هیچیک به آن تن نخواهد داد، اگر بخواهیم خوشبین باشیم، شاید باید از تعریف یک سلسله اصول پایه ای و پایبندی هریک از این نیروها به آن صحبت کرد. اصولی مانند پایبندی به اراده آزاد مردم، اصل آزادی بی قید و شرط سیاسی، جامعه سکولار، رفع

**ما و جامعه، رهبری، اتحاد عمل اپوزیسیون، سرنگونی، "انقلاب"، انقلاب کارگری...**

حکمت در این گفتگو دیگر آن حزب مورد نظر نیست. تغییرات بسیاری کرده است. یک رکن این تغییرات رفیق شدن کمونیسم کارگری منصور حکمت در این حزب و رشد و تعمیق سیاستهای راست و پوپولیستی در آن است. نقد ما بر مواضع این حزب تلاشی برای جلوگیری از حرکت این حزب به سمت نیروهای راست و ناسیونالیست پرو غربی است. سرنوشت این نیروها یک مساله مهم ما و جنبش کمونیسم کارگری است. \*



هم از قبل تعریف کرده اند و بقیه را به امضاء گذاشتن زیر طرح خود دعوت میکنند. حزب کمونیست کارگری یک اصل اساسی دارد و آن بیان حقیقت به مردم است. ما نمیخواهیم از وحدت طلبی خودانگیزه مردم سوء استفاده تبلیغاتی کنیم. ما برای ساختن یک جمهوری سوسیالیستی تلاش میکنیم و این کار از طریق وحدت با طرفداران بازار آزاد و آمریکا و سلطنت و اسلام پاستوریزه بدست نمیداد. در نتیجه ما مردم را به اردوی سیاسی خودمان دعوت میکنیم. به اردوی کارگران، اردوی کمونیسم، اردوی آزادی کامل و همه جانبه فرد و جامعه. این به معنی انزواطلبی سیاسی و بدعنی با سایر جنبشهای سیاسی نیست. برعکس هر قدر ما حرف مستقل خودمان را روشن تر بیان کنیم و آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود را بدون شبهه تر تبلیغ کنیم، امکان پیدا میکنیم بدون دامن زدن به توهمات سیاسی در میان مردم، با هرکس تا هر جا همراه میشود راه بیابیم. ما طرفدار رشد فرهنگ سیاسی و فرهنگ تحزب در ایرانیم. ائتلاف، سازش، جبهه، وحدت عمل و غیره وقتی جای خود را در سیاست ایران پیدا میکند که تعیین حزبی و جنبشی در جامعه و بویژه تقویت آرمانی و برنامه ای احزاب در سطح پیشرفته ای قرار گرفته باشد. اول باید اردوهای سیاسی ایران معاصر بدرستی تعریف شود تا بعد بشود از جبهه بندی های تاکتیکی میان آنها صحبت کرد.

تبعیض و غیره. این اصول حداقل را حتی میشود بعنوان یک منشور حقوق پایه ای مردم تعریف کرد. اما این اصول مبنای وحدت این نیروها نمیتواند باشد، بلکه مقررات بازی را تعریف میکند. زمینی را ترسیم میکند که هریک از این جریانات در آن برای پیروزی خط مشی و جنبش خویش تلاش میکند. این جنبشها قبل از جمهوری اسلامی بوده اند و بعد از آنها خواهند بود. هریک برای برقراری نظام و جامعه مطلوب خود تلاش میکند. مبارزه برای سرنگونی حکومت، بخشی از یک جدال وسیع تر بر سر این آلترناتیو هاست. کاری که میشود کرد ایجاد یک دیالوگ رسمی در میان جریانات اپوزیسیون سرنگونی طلب رژیم اسلامی است. ما مشکلی با چنین چیزی نداریم. ما همه شاخه های اپوزیسیون را از چپ تا راست به کنگره سوم حزب دعوت کردیم. نه فقط هیچ مشکلی نداریم که با هر سازمان مخالف رژیم اسلامی یک رابطه رسمی برای تبادل نظر تعریف کنیم بلکه از این امر استقبال میکنیم و آن را لازم میدانیم. اما "اتحاد" و "کار مشترک" میان این طیف نیروهای سیاسی واقعیتها نیست.

**هفتگی:** در میان جریانات سرنگونی طلب نیز رضا پهلوی پرچم اتحاد را بلند کرده و سازمان مجاهدین خلق اتحاد در چهارچوب شورای ملی مقاومت را مطرح میکند و اکثر سازمانهای چپ نیز صحبت از ائتلاف و اتحاد دارند. در این میان فقط حزب کمونیست کارگری است که تاکید دارد اتحاد عملی نیست و روی تمایزات خود و توضیح اثباتی نظرات و اهداف و مطالباتش تاکید میکند. لطفا در این مورد توضیح دهید.

**منصور حکمت:** هیچکدام اینها از اتحاد با سازمانهای بیرون طیف خودشان صحبت نمیکند. شاه و رئیس جمهور خودشان را

**هفتگی:** ممکن است در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی وضعیتی پیش

## مردم باید انتخاب کنند

گفتگو با منصور حکمت درباره وحدت اپوزیسیون ...

گزارشی از سندج،

### انفجار بمب در دانشگاه آزاد

و سیاستهای مزدور پروری از مردم گرسنه

بنا به گزارش دریافتی دیگری، در حالی که زمزمه اعتراضات در شهر سندج به مناسبت 18 تیر وسیع بود، روز 17 تیر بمبی در دانشگاه آزاد شهر سندج منفجر شد! بدنبال این واقعه دربهای ورودی دانشگاه بسته شد و محیط دانشگاه و شهر کاملاً نظامی شد. هدف این بود که رژیم در مقابل هرگونه تجمعی نیروهای سرکوبگرش در محل آماده باشند و به سرکوب مردم بپردازند. این سیاستها نخ نما است و همواره توسط جریانات رژیمی و عوامل خود آنها سازمان داده میشود.

در کنار این سیاستهای تروریستی و سرکوب و شکنجه در زندانها، اخیراً عوامل رژیم در تیمهای چند نفره بخصوص در محلات فقیر نشین شهر سندج راه افتاده اند و وعده آوردن پول نفت سر سفره مردم بدستور خامنه ای و احمدی نژاد را میدهند! پول هم نمیدهند بلکه دارند ادای بابائونل اسلامی در می آورند و لیست آروزهای مردم محروم را یادداشت می کنند! اینکه هر کسی چه لوازمی احتیاج دارد و یا مشککش چیست تا به اطلاع حضرات رسانده شود و از طریق آنها "حل شود!" مسئله بعدی دادن وامها با بهره کم در میان کارمندان و اقشار محروم نیز طرح شده است.

اینجا جامعه ای را به فقر و بیکاری و اختناق و محکوم کردند و شب جمعه و عده صدقه میدهند! با این سیاستها تعداد زیادی از انسانهایی که محتاج نان شب هستند را در هزارتوی بانکها و ادارات سرگردان کردند. در عین حال با گرو گرفتن آنها تلاش میکنند نیرویشان را برای مزدوری جمهوری اسلامی ترغیب کنند. پیشنهاد کار برای جمهوری اسلامی به این مردم محروم مداوما داده میشود. حتی اخیراً بخصوص به نوجوانانی که برای ثبت نام به مدارس مراجعه می کنند، فرمی داده می شود که اینها جزو جانبازان برای مدرسه ثبت نام شوند! میگویند اگر جزو این لیست باشید از امکانات دولتی بیشتری برخوردار میشوید!

یک راه حل رادیکال چشم میدوزند. مردم چپ را میخوانند یا راست را؟ این سوال هنوز در ایران امروز باز است. این انتخاب هنوز صورت نگرفته است. اگر ما بتوانیم افق چپ و انقلابی را به افق هژمونیک در روند سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل کنیم، آنوقت شخصیتها و احزاب عمده این اردوی چپ در موقعیت رهبری قرار میگیرند. مردم در هر دوره چپ جامعه را با جریانات معینی تداعی میکنند و آنها را پرچم و ظرف چپگرایی خود قرار میدهند. یک دوره حزب توده این نقش را داشت، یک دوره فدایی. امروز مردم ایران حزب کمونیست کارگری را سخنگو و بستر اصلی چپ در جامعه میدانند. در نتیجه رهبری تابعی از انتخاب سیاسی مردم میان یک راه انقلابی و یا غیر انقلابی برای سرنگونی حکومت اسلامی است. حزب و جنبش ما مصمم است که این رهبری را تامین کند. همه فعالیت حزب کمونیست کارگری معطوف به جد کردن مردم ایران از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوازی و سوق دادن آنها به یک موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری ایران است. شاخص پیشروی چپ در برابر راست در جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی، بالا رفتن انتظارات مردم و پذیرفتن نقطه سازشهایی است که هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازی قدم به قدم جلوی مردم قرار میدهند. دوم خرداد یکی از اینها بود. مردم نهایتاً تن ندادند. جنبش ملی اسلامی احتمالاً هنوز چند فرمول دیگر برای همزیستی مردم با یک رژیم اسلامی اصلاح شده در آستین دارد. اینها را باید یک به یک منزوی کرد. اپوزیسیون بورژوازی بیرون حکومت در مقطعی وارد صحنه خواهد شد تا نقطه تعادلای جدیدی که متضمن حفظ شالوده قدرت طبقاتی اش است را بعنوان پیروزی جنبش مردم جا بزند. ما باید مدام مردم را به فراتر رفتن از این چهارچوبها فرا بخوانیم. ما باید بعنوان سخنگویان و منادیان "نه" بزرگ مردم به کلیت استبداد و استثمار و تبعیض و ارتجاع در صحنه سیاسی ایران ظاهر بشویم. هرچه این نخواستن عمیق تر و همه جانبه تر بشود، رهبری کمونیستی بر جنبش اعتراضی بیشتر تثبیت میشود. از نظر عینی روند اوضاع به نفع ماست، چون نقطه سازشهای مورد نظر هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازی از نظر عینی پاسخ نیازهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران امروز نیست. بحران اقتصادی - سیاسی - فرهنگی سرمایه داری در ایران به سادگی قابل تخفیف دادن نیست.

\*\*\*

**بعد التحریر:** حزب کمونیست کارگری مورد اشاره منصور حکمت دیگر آن حزب مورد نظر نیست. تغییرات بسیاری کرده است. یک رکن این تغییرات رفیق شدن کمونیسم کارگری منصور حکمت در این حزب و رشد سیاستهای راست و پوپولیستی در این حزب است. نقد ما بر مواضع این حزب تلاشی برای جلوگیری از حرکت این حزب به سمت نیروهای راست و ناسیونالیست پرو غربی است. علی جوادی

آید که احزاب اصلی اپوزیسیون با نیروی اجتماعی ای که جذب کرده اند هر کدام یک وزنه غیر قابل حذف در تحولات جامعه و ایجاد حکومت جدید باشند. در چنین شرایطی آیا یک نوع اتحاد اجباری پیش خواهد آمد، از حالا نباید برای چنین حالتی فکر کرد و از این زاویه به مساله اتحاد پرداخت؟

**منصور حکمت:** هروقت پیش آمد ما هم به نیاز آن روز از یک موضع مسئول جواب میدهم. عکس این حالت هم میتواند پیش بیاید و برای آن هم باید آماده بود. فعلاً موضع ما مطلوبیت دیالوگ است.

**هفتگی:** سوال میشود که مبارزه در سطح جامعه دارد گسترش پیدا میکند و جنبش سرنگونی احتیاج به رهبری دارد. در غیاب اتحاد اپوزیسیون، رهبری جنبش چگونه باید تامین شود؟

**منصور حکمت:** رهبری محصول هژمونی سیاسی است و نه معدل گیری میان جنبشها و یا قرار و مدار سیاستمداران. پیدایش یک رهبری در جنبش عمومی برای سرنگونی تابعی از دست بالا پیدا کردن یک افق است. وجود یک رهبری واحد گواه این است که توده وسیع مردم انتخاب سیاسی خود را کرده اند. این انتخاب بدواً یک انتخاب حزبی نیست. مردم در خطوط کلی میان راست و چپ انتخاب میکنند. آیا افق آلترناتیو در برابر رژیم اسلامی در خطوط کلی از نظر مردم یک افق و راه حل چپ است یا راست؟ این سوالی است که قیل از بقیه پاسخ میگیرد. آیا مردم در انداختن جمهوری اسلامی، به بالا، به قدرتهای غربی و به اقتصاد بازار امید مینندند یا به نیروی خود، به چپ جامعه و به

## کارگران!

علیه سرمایه داری

بپاخیزید!



## دو زن در خطر اعدام به "جرم ارتداد"

بر اساس گزارشی از سوی نزدیکان دو زندانی جوان به نامهای مرضیه امین زاده و مریم رستم پور، این دو زن جوان در خطر اعدام به جرم "ارتداد" هستند. رژیم این دو زن جوان را که در ۱۵ اسفندماه ۱۳۸۷ (۵ مارس ۲۰۰۹) در منازل مسکونیشان در تهران دستگیر شده بودند به جرم اقدام علیه امنیت ملی زندانی کرده است. مرضیه و مریم در هفته های گذشته به بخش زنان زندان اوین منتقل شده اند. در این بخش اکنون تعداد بسیاری از زنان و دخترانی که در اعتراضات اخیر دستگیر شده اند، زندانی هستند. طبق گزارش خانواده ها و وکیل مرضیه و مریم در شرایط حاضر حداقل 600 زن در این بخش زندانی هستند.

وضعیت زندانیان بسیار سخت و غیرقابل تحمل است. زندانیان تحت شکنجه های وحشیانه، تحقیر و آزار دائمی قرار دارند. تعدادی از زندانیان زیر شکنجه جان باخته اند و گزارشاتی حاکی از آن است که تعدادی تحت پوشش قاچاق مواد مخدر اعدام شده و یا در تهدید اعدام قرار دارند. بعضی از زندانیان در لحظه دستگیری مورد ضرب و شتم نیروهای گوناگون انتظامی رژیم قرار گرفته و مجروح و زخمی هستند. آنها بدون در اختیار داشتن امکاناتی، همچنان در سلولهای انفرادی و زیر سختترین شکنجه ها قرار دارند.

رژیم اسلامی با سبعیتی وحشیانه به جان مردم افتاده است و از هیچ شکنجه و جنایتی برای حفظ قدرت فرو گذار نمی کند. مردم حکم به رفتن این رژیم داده اند. باید این رژیم را به زیر کشید. دنیا با احترام و تحسین به مبارزات شجاعانه مردم برای آزادی، برابری، رفاه و به زیر کشیدن رژیم اسلامی خیره شده است. باید حمایت و همبستگی بین المللی را فعالانه به میدان آورد.

سازمان آزادی زن با تمام قوا برای سازماندهی یک همبستگی بین المللی با مبارزات مردم برای آزادی، برابری و رفاه میکوشد. ما برای به محاکمه کشیدن سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت تلاش میکنیم. لطفا این پتیشن را امضاء کنید:

<http://www.petitiononline.com/mk072009/petition.html>

سازمان آزادی زن  
13 ژوئیه 2009



## فراخوان!

کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی!

هما ارجمند

قومی و مذهبی يك کار مداوم رژیم برای تقویت قدرت سیاسی خویش در منطقه و جهان بوده است.

\* تمام رهبران جمهوری اسلامی ایران از به اصطلاح اصلاح طلب خاتمی، رفسنجانی و موسوی گرفته تا احمدی نژاد و خامنه ای تماما "مستقیما" مسئول ترور و اعدام بیش از صد هزار نفر از فعالین سیاسی در ایران و خارج از ایران هستند.

\* رئیس جمهور این رژیم جنایتکار، احمدی نژاد همراه دیگر رهبران حکومت اسلامی بیش از ۳۰ سال است که مستمرا قوانین ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۹ حقوق بشر سازمان ملل را زیر پا میگذارند.

از این رو سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران يك پیش شرط اساسی آزادی و رفاه مردم در ایران و همچنین نابودی جنبش اسلام سیاسی در خاورمیانه و جهان است. با از بین رفتن جمهوری اسلامی در ایران، اسلام سیاسی به يك جریان اپوزیسیون ناچیزی در جهان بدل خواهد شد.

از این رو جهت تقویت جنبش سرنگونی در ایران و تنگ کردن هر چه بیشتر عرصه بر این رژیم ضد مردمی در خارج از کشور:

- ما خواهان بسته شدن تمام سفارتخانه های جمهوری اسلامی در سراسر جهان میباشیم.

- ما خواهان مسدود شدن تمام حسابهای بانکی رهبران جمهوری اسلامی ایران در بانکهای جهان هستیم.

- ما خواهان اخراج تمامی نمایندگان جمهوری اسلامی ایران از کلیه سازمانهای بین المللی هستیم.

- ما خواهان محاکمه کلیه رهبران جمهوری اسلامی ایران در دادگاههای بین المللی بخاطر جنایات علیه بشریت هستیم.

هما ارجمند

مسئول کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی

۱۲ ژوئیه ۲۰۰۹

[www.nosharia.com](http://www.nosharia.com)

[homawpi@nosharia.com](mailto:homawpi@nosharia.com)

دنیا باید بداند که تنها راه رهایی از اسلام سیاسی و جنایتی که این جنبش در سرتاسر دنیا تاکنون مرتکب شده است، در گرو حمایت از جنبش سرنگونی طلب مردم در ایران و دفاع از مبارزه مردم برای آزادی، برابری و سعادت است. مردم در ایران با تظاهراتهای گسترده و میلیونی در خیابانها و دانشگاه ها خواهان براندازی کل نظام جمهوری اسلامی هستند. آنها این جمهوری شکنجه، زندان، تبعض جنسی، نفی تمام آزادیهای فردی و اجتماعی و کشتار دسته جمعی را نمی خواهند. آنها این رژیم را بخاطر تحمیل کردن خشن ترین و ارتجاعی ترین قوانین نمی خواهند. مردم در ایران خواهان برقراری حقوق و آزادی های سیاسی و مدنی بیقید و شرط برای همه هستند.

هیچ وقت چنین عاجل نبوده است که دوشادوش مردم در ایران قاطعانه اعلام کنیم که:

\* جمهوری اسلامی ایران مسئول مستقیم ایجاد رعب و وحشت در سطح جهان بخاطر حمایتهای آشکار و گسترده از جریانات تروریست اسلامی از افغانستان، پاکستان، الجزایر و فلسطین گرفته تا دل اروپا و آمریکای شمالی است. گروههای اسلامی که از تحمیل قوانین ضد انسانی بر مردم، قطع سر و اعضای بدن تا بکار بردن بمب در اتوبوسها، دیسکوتکها و قهوه خانه ها و بقتل رساندن مردم هیچ ابائی ندارند.

\* جمهوری اسلامی ایران يك عامل تداوم بحران در منطقه از عراق گرفته تا افغانستان و فلسطین و لبنان است. دامن زدن به جنگ مذهبی و قومی و قربانی گرفتن از مردم و تقویت دستجات



سازمان آزادی زن  
Women's Liberation - Iran



مروه شربینی، زن 31 ساله ای که با همسر خود جهت ادامه تحصیل در شهر درسدن آلمان زندگی می کرد، در مقابل چشم فرزند خردسالش، با ضربات چاقو به قتل رسید. طبق گزارش مطبوعات اروپایی "مروه شربینی" علیه مرد جوانی به نام آکس که او را بخاطر محببه بودن "تروریست" خوانده شکایت کرده بود. دادگاه بررسی به این شکایت روز چهارشنبه هفته گذشته برگزار شد. مرد متهم در دادگاه به مروه حمله کرده و وی را با ضربات چاقو به قتل رساند. وی همچنین به همسر مروه که برای دفاع از همسرش دخالت کرده بود حمله و او را نیز مجروح کرد..

بر اساس گزارش روزنامه (تاز) آلمان، آکس به ارتباط خود با حزب نئونازی "ان پی دی" که به داشتن تمایلات راست افراطی نژادپرستانه معروف است، اعتراف کرده است. همچنین روزنامه (سیت) به نقل از دادستان آلمان اعلام کرد: تحقیقات خود را در مورد علت این حادثه آغاز کرده است تا مشخص شود که آیا اسلام ستیزی در این قضیه دخالت داشته یا مخالفت با "مهاجران".

سازمان آزادی زن قاطعانه این جنایت راسیستی را محکوم میکند. بمنظور مقابله با راسیسم و جلوگیری از رشد فاشیسم در جامعه باید قطب آزادیخواهی، برابری طلبی و سکولاریسم را تقویت و تحکیم کنیم و قاطعانه هر دو قطب تروریسم دولتی و اسلامی را طرد و افشاء نمائیم.

زنده باد آزادی زن

زنده باد آزادی، برابری، سکولاریسم

سازمان آزادی زن

15 ژوئیه 2009



## پرچم رفسنجانی وحشت از مردم، دفاع از نظام

سیاوش دانشور

کند که همه "فرزندان انقلاب اسلامی و راه امام اند" و نباید تلخ کامیهای "خانوادگی" منافع بزرگتر حفظ نظام را زیر سوال ببرد. چهارما، اینها اساسا اتمام حجت شان را با مردمی میکنند که علیه همه شان هستند.

با اینحال رفسنجانی هر درجه مانور بدهد و به نظام و سر آقا قسم بخورد، مردم تبیین دیگری از حرکت او و موسوی دارند. مردم میدانند نماز جمعه تریبون و محل تجمع و شعار دادن لمپن اسلامیهای کرایه ای و چاقوکشان و شکنجه گران و کسانی است که نداها، سهراب ها و صدها نفر را در همین دو سه هفته به قتل رسانده اند. نماز جمعه محل اجتماع همانهایی است که به ترانه ها و جوانان در زندانهای مختلف تا سرحد مرگ تجاوز کردند. نماز جمعه محل اعلام وفاداری به نظام قتل و شکنجه و استثمار و تبعیض و بیحقوقی است. نماز جمعه محل اعتراض کسی به نظام اسلامی نیست. اما به حکم اوضاع همین نماز جمعه میتواند به بلای جانیشان تبدیل شود. میتواند برسرشان خراب شود. هیچ بعید نیست که همین نماز جمعه محل درگیری باندهای اسلامی شود. چه بسا کمی آنطرف تر توسط مردم شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی بالا بگیرد.

حقیقت اینست که همه سران و جناح های حکومت اسلامی به سه کنج رانده شده اند. رفسنجانی و موسوی نه میتوانند از ترس مردم "رشادت" نشان دهند و علیه خامنه ای و احمدی نژاد از همین تریبون جهل و خرافه چیزی بگویند و نه میتوانند از نظام قاتلین که هیچ کدامشان بدون آن معنی ندارند دفاع نکنند. رفسنجانی روز جمعه چه پرچم سفید در مقابل خامنه ای بلند کند و چه پرچم وحدت جناح ها و دفاع از کل نظام را، تکلیف همان تعداد هواداران متوهم شان را روشن میکند. روز جمعه مقطع مهمی در جدال بالائینها و جدال پائینی ها با کل نظام است. بالائینها با شمارش تلفات ایندورشان از وحشت مردم به خیمه "نظام و انقلاب" آویزان میشوند تا سیاست حفظ خود را تا دور بعدی پیش ببرند. اما برای هواداران آنها اینروز مقطع عبور تمام عیار از رهبران بی جریزه و برجسته شدن حقانیت سیاست سرنگونی همه شان است. \*

رفسنجانی، حاج آقا میلیاردر و از مسئولین قتل عامهای بیشمار آزادیخواهان و مخالفین، این هفته مجددا در نماز جمعه تهران منبر میرود. میر حسین موسوی نیز طی اطلاعیه ای از شرکت در این نماز جمعه سخن گفته است. بعد از دوره ای قهر "خانوادگی" رفسنجانی مجددا سر پست اش میرود تا خرافه بیباف و به دنیا امر و نهی کند که در اوضاع ما دخالت و "شیطننت" نکنید. سوالی که اینروزها بویژه با سکوت طولانی رفسنجانی زیاد مطرح میشود اینست که روز جمعه چه خواهد گفت؟

نفس جنبش ملی اسلامی و توده ایها و طرفداران اصلاح نظام خونریز اسلامی در سینه حبس شده است. میدانند که رفسنجانی تریبون نماز جمعه را به صحنه مقابله با خامنه ای و شرکا تبدیل نخواهد کرد و عبارت "فرمایشات رهبر معظم" مثل نقل و نبات از دهنش بیرون خواهد آمد. میدانند که موسوی و کروبی و دیگران از رفسنجانی عبور نمیکنند. میدانند تصویر هر سازش موقتی در بالا شناسنامه سیاسی جنبش قلبی "انتخابات و اعتراض به تقلب در انتخابات" را تماما باطل خواهد کرد. میدانند روز جمعه احتمالا تیر خلاص به آخرین ذره امیدهای ناموجه همان تعداد اندک به این امام زاده های مهجور است. میدانند روز جمعه عبور از موسوی و شرکا ابعاد گسترده تری میگیرد. لذا توصیه میکنند، حدس و گمان میزنند، حرف در دهان رفسنجانی میگذارند، فشار می آورند تا شاید صحنه عوض شود و نوری در انتهای تونل قابل مشاهده باشد.

حقیقت اینست که رفسنجانی حرفی برای گفتن ندارد. تردیدی نیست که او مهره مهمی در جنگ جناح های حکومت است و اختلافش با خامنه ای برسر قدرت و ثروت سرچایش است. رفسنجانی نماینده بدست دادن سازش و تعادلهای حکومتی است. رفسنجانی و موسوی و ابواب جمعی شان در نماز جمعه بویژه در این اوضاع حضور پیدا میکنند تا اولاً، اعلام کنند که خودشان یک ستون نظام اند و هنوز هستند. دوماً، علیرغم کمی نق و حتی داشتن موضع فردی در مورد دولت احمدی نژاد بگویند که به قانون و نظام و حتی خامنه ای متعهد اند. سوماً، رفسنجانی تلاش میکند پرچم وحدت جناح ها باشد و ضمن مقابله با "افراط و تفریط" بر این تاکید

## هشدار! مقابل فاشیسم اسلامی بایستیم! اخراج اجباری کارگران از شهر و ایگان

استغفای شهردار و لغو این بخشنامه ارتجاعی و فاشیستی شوید! از دیگر کارگران و مردم شهر و ایگان و منطقه کمک بطلبید! در مقابل سیاست ارتجاعی تفرقه میان مردم محروم و زحمتکش توسط کارفرماها و دولت، سیاست همبستگی طبقاتی و همسروشنی و اتحاد کارگری را تقویت کنید! کوره ها اگر ماشینی میشوند باید کار کارگر ساده تر و حقوقش بیشتر و ساعات کارش کمتر شود. کارگران مخالف تکنولوژی نیستند، این تنها در سرمایه داری است که تکنولوژی به بیکاری و فقر کارگر ترجمه میشود! مستقل از اینکه کوره های جدید به چه تعداد کارگر نیاز دارند و چه تعداد بیکار میشوند، دولت و شهردار حق ندارد مردم را از شهر بیرون کند! سیاست فاشیستی مهاجرت اجباری باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی لغو شود! کارگران و مردم آزادیخواه اگر متحدانه در مقابل این سیاست بایستند آنها راهی جز لغو آن ندارند! طبقه کارگر و کلیه مردم آزادیخواه در سراسر ایران باید علیه این تحرک فاشیستی عکس العمل نشان دهد. این سیاست دارد کوره های جنگ داخلی و قومی و کشتن همسایه توسط همسایه را داغ میکند! اینها استاد این کارند و سابقه خونین در همین منطقه دارند. کارگران سرسخت ترین مخالف چنین سیاستهای ارتجاعی و ضد جامعه و فاشیستی هستند!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ تیر ۱۳۸۸ - ۱۴ جولای ۲۰۰۹

و فرمانداری شهرستان شبستر، برای صاحبان کوره ها وامهای کلان در نظر گرفته اند. از سال بعد هیچ کارگری از شهر دیگری نمیتوان آنجا کار کند و ظاهراً قرار است که همه کوره های دستی به کوره های ماشینی تبدیل شوند.

### کارگران کوره پزخانه ها!

اعتصاب سال گذشته شما در همین منطقه و کوره های اطراف با پیروزی مواجه شد. دلیل این پیروزی ایجاد شوراها و اتحاد و یکدلی شما بود. امسال کارفرماها نهایتاً دستمزدتان را پائین کشیدند و دولت دست به پاکسازی و تحریک قومی زده است. جمهوری اسلامی و شهرداری غلط میکند کسی را از خانه و کاشانه اش بیرون کند. این سیاست که هیچ کارگری از هیچ شهر دیگر حق کار کردن در و ایگان و کوره های اطرافش را ندارد یک سیاست فاشیستی است و باید فوراً در نطفه خفه شود!

شوراهایتان را برپا کنید! در دفاع از کار و دستمزد مناسب و امنیت و کوتاه کردن دست اوباش از سر خانواده ها و کودکانتان بیدان بیایید! خواهان

را میگیرد که کودکان را وحشیانه کتک زده بودند، جمعی از کارگران کوره ها راساً سراغ کشاورزان و کسانی که به این کودکان کتک زده بودند میروند و متقابلاً آنها را کتک میزنند. بدنبال این درگیری سه تن از این کارگران توسط وزارت اطلاعات دستگیر شدند. بیش از دو هفته از دستگیری آنها میگذرد و تاکنون هیچ خبری از آنان به بستگانشان داده نشده است.

اعتصاب حدود ۲۰ روز طول کشید. کارگران در این اعتصاب موفق شدند نرخ ۶۰۰۰ تومان را به ۸۰۰۰ تومان و بعداً به ۱۱۰۰۰ تومان برسانند. با توجه به بالا رفتن هزینه های خانواده های کارگری این مبلغ بسیار ناچیز است و هنوز نسبت به نرخ دستمزد سال گذشته پائین تر است. چند روز است که کارگران اعتصاب را شکستند و سر کارهایشان بازگشتند. بعد از بیست روز اعتصاب و تحمل هزینه آن کارگران زیر فشار اقتصادی و امنیتی این تصمیم را گرفتند.

### سیاست اخراج اجباری از شهر

اما با پایان اعتصاب نهادهای دولتی تعرض شان را به کارگران ادامه دادند. تصمیم گرفتند عده ای از کارگران را از شهر و ایگان و خانه و کاشانه شان بیرون کنند. بدستور شهردار تمام افرادی که از شهرهای دیگر برای کار در تمام سال به آنجا مهاجرت کرده بودند، که در فصلهای بهار و تابستان در کوره ها و در پائیز و زمستان در جوجه کشی ها و بار زدن آجرها کار میکنند و در شهر و ایگان خانه خریدند و ساکن آنجا هستند، مجبور به فروش خانه های خود به زیر قیمت شدند و به اجبار باید شهر را تا پایان فصل کار در کوره آجریزی ترک کنند؟! این بخشنامه شامل کارگران زیادی میشود که توسط شهرداری به آوارگی و دربدری و بیکاری محکوم شدند. از طرف دیگر فرمانداری شهرستان و ایگان

بنا به گزارش دریافتی، بدنبال اعتصاب کارگران کوره پزخانه های شهرستان و ایگان و درگیریهای ایجاد شده، شهرداری به سبک فاشیستها تصمیم به اخراج اجباری کارگران از محل زندگی شان گرفته است!

شهرستان و ایگان یکی از شهرهای استان آذربایجان شرقی است. این شهر دارای کوره های دستی آجریزی متعدد است و کارگران زیادی در آنجا مشغول بکار هستند. اکثر این کارگران از شهرها و روستاهای کردستان به این کوره پزخانه ها می آیند. بخشی از آنها کارگر فصلی نیستند، بلکه تمام سال در همینجا کار میکنند، در شهر و ایگان ساکن شدند و آنجا زندگی میکنند. اما امروز بدستور جناب شهردار باید شهر را اجباراً ترک کنند!

### اعتصاب و درگیریها

نرخ دستمزد پارسال در این کوره ها برای هر هزار آجر ۱۳۰۰۰ تومان بود. امسال کارفرماها این نرخ را به ۶۰۰۰ تومان کاهش دادند. این مسئله با اعتصاب کارگران روبرو شد. این اعتصاب درگیریهایی را به همراه داشت که این درگیریها و تحریکها را صاحبان کوره ها شروع کردند. درگیریها از آنجا شروع شد که چند پسر ۱۲ و ۱۳ ساله در روزهای اول اعتصاب به داخل شهر میروند و صاحب کوره ها و چند تن از عواملشان آنها را تا سر حد مرگ کتک میزنند و مجدداً راهی کوره پزخانه ها میکنند. متقابلاً خانواده های این کودکان به اداره پلیس میروند و از آنها شکایت میکنند و خواست دستگیری شان را مطرح میکنند. اما پلیس و ایگان حتی بدون هیچ توجه فرمال به شکایت این پدر و مادرها آنها را از اداره بیرون میکنند. بدنبال اینکه پلیس رسماً جانب کارفرماها و عواملش

## مجمع عمومی

ظرف اعتراض مستقیم و مستمر و توده ای کارگران است. کارگران در مبارزات جاری به سنت عمل مستقیم مجمع عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

## ایران خودرو

## طرح اخراج کارگران روز مزد مهر کام پارس!

- برای رد اعتبار نامه رژیم اسلامی در  
مجامع بین المللی،

- برای منجمد کردن حسابهای بانکی  
سران رژیم اسلامی،

- برای محاکمه سران رژیم اسلامی  
به جرم جنایت علیه مردم ایران

دادخواست زیر را امضا کنید!

[http://www.petitiononline.com/  
mk072009/petition.html](http://www.petitiononline.com/mk072009/petition.html)

خودرو صدها نفر از کارگران پیمانکاری را از حالت پیمانکاری خارج نموده و خود مهر کام پارس با این کارگران طرف قرار داد شده است. جالب است کارگرانی که از حالت پیمانکاری خارج شده تاکنون حتی موفق به دریافت مبالغ دستمزدها و اضافه کاری خرداد ماه خود نشده اند. این همان طرحیست که حکومت اسلامی و سرمایه داران برای فریب و تحمیل کارگران آن را در سایه نیز اجرا نموده اند. لازم به یاد آوریست در شرکت محوسازان ایران خودرو که بیش از 2000 کارگر قراردادی مشغول به کارند.

بنا به خبر دریافتی، هفته پیش مجمع عمومی سهامداران شرکت مهر کام پارس ایران خودرو متشکل از نمایندگان کارگران و عوامل حرفه ای و دزد کارفرما تشکیل شد. در این جلسه نمایندگان کارگران نسبت به فروش اجباری ورق پاره های سهام و اخذی از کارگران به روش سفته بازی توسط مدیران ایران خودرو که از سال 83 تاکنون علیه کارگران در حال اجراض نمودند. نمایندگان کارگران کاهش و تنزل سود سالیانه سهام از بهای یعنی هر سهم 30 تومان به نصف یعنی 15 تومان را از آغاز سال جدید و همچنین افزایش خودسرانه بهای سهام تحویلی به کارگران را از جانب مدیران ایران خودرو که چیزی جز کلاه برداری و دزدی آشکارا نیست را محکوم کردند. در مقابل عوامل کارفرما با توسل به حربه تهدید و عقب راندن کارگران معترض خبر طرح اخراج 160 نفر از کارگران روز مزد را عنوان کردند. البته خبر طرح اخراج کارگران روزمزد از کانالهای دیگری نیز به کارگران رسیده است. این تصمیم توسط هیئت مدیره و در راس آن مدیر مهر کام پارس و چهره منفور ضد کارگری جلیل زرکش گرفته شده است.

اوضاع بمراتب بدتر از اینهاست! به دنبال بحران مالی و ورشکستگی ایران خودرو، اخراج این کارگران زحمتکش زنگ خطر است که از هم اکنون به صدا در آمده و می تواند در آینده تهدیدی جدی برای بیکارسازی کارگران روزمزد و قراردادی بطور گسترده تر باشد. این خط رسمی حکومت اوباش اسلامی و سرمایه داران انگل برای انهدام و تلاشی خانواده های کارگری و تحمیل فقر و فلاکت و بیحقوقی بیشتر به زندگی کارگران است. این اشتباه سرمایه داران نیست که سیری ناپذیر است.

شرکت مهر کام پارس با بیش از 4500 نفر کارگر قراردادی سفید امضا و بیش از 600 نفر کارگر روزمزد با حداقل ترین پایه دستمزدهای کارگری در 3 شیفت سنگین و فشرده شبانه روزی کاری در زمینه تولید انواع سپر و داشبورد و قطعات جانبی خودرو فعال است. شرکت مهر کام پارس واقع در جاده مخصوص کرج می باشد.

در شرکت مهر کام پارس بیش از 600 نفر کارگر روزمزد با پایه دستمزد روزانه حدود 11 تا 12 هزار تومانی در ازای کار روزانه بعلاوه اضافه کاری سنگین و فرساینده در بخشهای مختلف مشغول به کارند. کارگران روز مزد و خانواده های محرومشان همیشه ضعیف ترین حلقه هایی هستند که مورد تعرض و غارت عوامل کارفرما و سرمایه داران قرار میگیرند. یکی دو ماه قبل از نمایشات مضحک انتخابات حکومت اسلامی به دستور مدیران ارشد ایران

حزب اتحاد کمونیسم کارگری  
۲۱ تیر ۱۳۸۸ - ۱۲ جولای ۲۰۰۹



## یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و وسیعا  
تکثیر و توزیع کنید!

## یک دنیای بهتر

برنامه طبقه کارگر برای آزادی  
جامعه است!

## گزارشی از کارخانه سما پرگل و شرکت خدمات کشاورزی

## ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید! زنده باد شوراها

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخی قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیب کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بیخوایسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید سرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

در همین فیشهای حقوقی پرداخت نشده 50 هزار تومان کم شده است! در این گزارش دریافتی همچنین گفته شده که بیمه کارگران هم رد نشده است و در صورت بیکاری بیمه بیکاری هم به کارگران تعلق نمی گیرد.

کارگران کماکان در تکاپو هستند تا با تداوم اعتراضات خود حقوق شان را از گلوئی این زالوها و دزدهای سرمایه دار بیرون بکشند. آنها از ما خواسته اند که صدایشان را به تمامی هم طبقه هایشان برسانیم. میگویند سرنوشت میلیونها کارگر در ایران چیزی بیشتر از وضعیت آنها نیست و خواستار حمایت از مبارزات طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران شدند.

### شرکت خدمات کشاورزی

این شرکت اخیرا 15 نفر از کارگران خود را با سابقه بین 12 تا 15 سال اخراج کرده است. کار اصلی این شرکت نگهداری از بذر کود و مواد شیمیایی برای کشاورزی است که از جنوب ایران به سنده صادر می شود. این کارگران در بخش تخلیه بار، نگهداری بار در انبارها و انتقال این کالاها به شهرستانهای استان کردستان کار میکنند. در حالی که یکی از سخت ترین کارهای این شرکت یعنی خدمات کشاورزی بر دوش این کارگران بوده است، هنگام اخراج متوجه می شوند که هیچ کدام بیمه نبوده اند و هم اکنون نیز از همان بیمه ناچیز بیکاری هم برخوردار نیستند. کارگران به اداره کار سنده شکایت کرده اند اما با جوابهای سربالا و بدتر از جواب کارفرما روبرو شده اند. اداره بیمه هم اعلام کرده است از آنجا که بیمه شما رد نشده است به شما هیچ بیمه ای تعلق نمی گیرد.

دزدی از جیب و حقوق کارگران و سازماندهی کلاهبرداری و به فقر و گرسنگی کارگران و خانواده های محرومشان شغل و شناسنامه کارفرماهای ایرانی اسلامی است. کارگران راهی ندارند جز اینکه با قدرت در مقابل این اوباش بایستند و حقوق هایشان را نقد کنند. ادارات دولتی چیزی جز دفتر و دستک اداری کارفرماها نیستند و وارد شدن به دور سرگردانی و سردوانی چیزی عاید کارگران نمیکند. باید در مرکز شهر همراه با دیگر کارگران تجمع کرد. باید به کارخانه رفت و همانجا متحصن شد و کارخانه را در اختیار گرفت.\*

کارخانه سما پرگل از اول فرودین امسال تاکنون فقط حقوق 11 روز را به کارگران پرداخت کرده است. کارگران این کارخانه که تا اوایل امسال 60 نفر بوده است، 20 نفر زن و 40 نفر مرد، در اواسط فرودین 20 نفر از کارگران که زن بودند را اخراج کرده است.

3 هفته پیش کارفرمای این کارخانه به اسم حسین سمائی به کارگران اعلام کرده است که بودجه نداریم. کارخانه سودآور نیست و کارخانه تعطیل است. کارگران که همه قراردادهای سفید امضا دارند و متن قرارداد را اصلا ندیده اند، اخیرا متوجه می شوند که همه این قراردادهای یک ماهه بوده است و دستشان بجائی بند نیست. اما حسین سمائی این 40 نفر کارگر را فقط در این کارخانه نگه داشته است که بتواند از این طریق اعلام کند کارخانه دارد ورشکست می شود و باید وام بگیرد. این برای سومین بار است که ایشان به بهانه کارگران وام می گیرد و تاکنون هم به کارگران بجز 11 روز حقوق چیزی داده نشده است. کارفرما این کارخانه با بی شرمی فیش حقوقی را به دست کارگران می دهد اما حقوق را به حساب آنها واریز نمی کند. البته کارگران می گویند با وامهایی که تاکنون دریافت کرده است در دبی سرمایه گذاری در ساختمان سازی کرده است و کارخانه سما فقط یک بهانه است.

لازم به ذکر است که کارگران بارها به اداره کار و استانداری و نهادهای دیگر مراجعه کردند اما هیچ کسی به کارگران پاسخی نداده است. کارگران کارخانه سما ماهی 221 هزار تومان حقوق دارند و شرط این میزان حقوق پرداخت بیمه توسط خود کارگران است. ابتدا گفته بودند که هزینه بیمه 15 هزار تومان است اما بعد

## گزارشی از تظاهرات باشکوه ۱۸ تیر در استکهلم

لامی آغاز و بدنبال آن نمایندگان جریانات و نهادهای سیاسی سخنرانی کردند. سخنرانان این تظاهرات شامل؛



Göran kårman یوران شرمن از جوانان سوسیالیست سوئد، جمشید اطمینانی جمعی از فعالین کمونیست شورائی، پیر اوکه وسترلوند از حزب عدالت سوسیالیستی سوئد، فرهاد شعبانی از حزب کمونیست ایران، نادیت رینگمر از اتحادیه دانشجویی حزب چپ سوئد، سیاوش دانشور از حزب اتحاد کمونیسم کارگری، متس عینارسون از حزب چپ سوئد، سیامک بهاری از حزب کمونیست کارگری ایران، نادین از شبکه زنان استکهلم، رحمان حسین زاده از حزب حکمتیست، و ماریا رشیدی از انجمن حق زن بودند. در طول تظاهرات برنامه های هنری نیز اجرا شد. یاور استوار شعر سرود، گروه آمریکائی لاتین ماری و پ په هنرنمایی کرد، و رویا صادقی و مهناز قزائو نتانتری اجرا کردند.

امروز ۱۸ تیر برابر با ۹ جولای ۲۰۰۹، بدعوت "ستاد حمایت از مبارزات مردم در ایران" تظاهراتی بمناسبت دهمین سالگرد ۱۸ تیر و در حمایت از مبارزات پر شکوه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی برگزار شد. ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران دربرگیرنده احزاب چپ و سوسیالیست و کمونیست، سازمانهای زنان و فعالین سیاسی چپ است. احزاب دیگر چپ که عضو این ستاد نیستند در هماهنگی با ستاد جزو برگزار کنندگان و شرکت کنندگان این تظاهرات بودند.

علیرغم هوای بارانی شدید قریب ۱۰۰۰ نفر در این تظاهرات شرکت داشتند. در بالای میدان همواره جمعیت زیادی از عابرین با تظاهرات همراه بودند و به سخنرانان و شعارها و موج پرچمهای سرخ در میدان مرکزی شهر استکهلم توجه میکردند.

تظاهرات با خوش آمدگویی لیلیا قرائی و پیا اطمینانی بزبانهای فارسی و سوئدی و سر دادن شعار علیه جمهوری اس



یافت و با قرائت قطعهنامه ستاد و پخش سرود و سر دادن شعار علیه جمهوری اسلامی پایان رسید.



شرکت کنندگان در تظاهرات امروز استکهلم، به جسارت و آزادمندی مردم ایران و عزم راسخ شان برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی درود میفرستند و قلبهایشان و مشتهای گره کرده شان با مردم آزادیخواه ایران و اعتراض برحق و عادلانه شان علیه نظام جنایتکار جمهوری اسلامی است.



\*\*\*

### قطعهنامه ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران در تظاهرات ۱۸ تیر استکهلم



- ما شرکت کنندگان در تظاهرات ۱۸ تیر از مبارزات مردم ایران برای "آزادی، برابری و رفاه" و سرنگونی رژیم اسلامی حمایت میکنیم.

- ما سرکوب وحشیانه مبارزات

آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم بپاخواسته ایران را محکوم میکنیم.

- ما رژیم اسلامی را بخاطر زن ستیزی، اعمال حجاب اسلامی، و تحمیل آپارتاید جنسی محکوم میکنیم.

- ما رژیم اسلامی را بخاطر اعمال سه دهه حاکمیت سیاه مذهبی بر جامعه محکوم میکنیم.

- ما رژیم اسلامی را بخاطر تحمیل فقر و فلاکت و بی خانمانی بر مردم محکوم میکنیم.

- ما رژیم اسلامی را بخاطر نقض حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی و اجتماعی محکوم میکنیم.

- ما رژیم اسلامی را بخاطر نقض حقوق پایه ای و شناخته شده کارگری، حقوق زنان و حقوق جوانان محکوم میکنیم.

- ما خواهان آزادی فوری و بدون قید شرط کلیه دستگیر شدگان و آزادی تمامی زندانیان سیاسی هستیم. - ما خواهان لغو مقوله "جرم سیاسی"، لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد هستیم.

- ما خواهان جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش، لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند، آزادی مذهب و بی مذهبی و یک نظام سکولار هستیم.

- ما خواهان آزادی بیان، آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب برای همگان هستیم.

- ما خواهان آزادی پوشش، لغو حجاب اجباری



## ۱۸ تیر در تورنتو، صحنه ای از شکوه و عظمت اعتراض در بزیر کشیدن جمهوری اسلامی

در روز پنج شنبه ۹ ژوئیه میدان مل لسمن در تورنتو صحنه باشکوه تظاهرات و گردهمایی هزاران انسان گریخته از رژیم اسلامی بود. صف کمونیسم و چپ با پرچمهایی سرخ "آزادی و برابری" صف جلودار و میلانانت این اجتماع بود.

در تورنتو اعتراض و تظاهرات توده ای با اجتماع هزاران نفره در حمایت از ۱۸ تیر سنت قوی شکل گرفته است. و امسال شور و شوق حمایت از خیزش عظیم مردم در ایران برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی به این سنت چندین ساله جلوه پرمعنا و قدرتمندی بخشیده بود. میدان مل لسمن و خیابان یانگ از خیل انسانهای که آمده بودند تا همبستگی خود با مبارزات مردم در ایران و نفرت خود از رژیم اسلامی را نشان دهند، موج میزد.

فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری با حضور فعال خود در صف کمونیستها، با سخنرانی، خواندن قطعنامه حزب در رابطه با ۱۸ تیر و شعارخوانی نمونه ای از دخالتگری کمونیستی را به نمایش گذاشتند. هما ارجمند، محمود احمدی و فخری جواهری از کادرهای این حزب همچون حرکتی اعتراضی گذشته در این شهر با سخنرانیها و شعار خوانی خود در تقویت این اجتماع نقش موثری داشته اند.

هما ارجمند و محمود احمدی همچنین در اجتماع بزرگ دیگری که در همان میدان مل لسمن همزمان برگزار شده بود با سخنرانی پرشور خود مردم را به ادامه اجتماع قدرت مند در حمایت از مردم در ایران و در جهت بسته شدن سفارتخانه های جمهوری اسلامی، بخصوص در کانادا فراخواندند. سخنرانیهای این رفقا با تشویقها و تکرار شعارهای آنان توسط جمعیت از استقبال گرم و وسیعی برخوردار شد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری جهت قدرتمند کردن صف اعتراضات توده ای و تنگ کردن محاصره رژیم اسلامی و بزیر کشیدن آن همه تلاش خود را بکار خواهد برد و تا همین جا نمونه ای از دخالت گری و سازماندهی کمونیستی در این عرصه مهم بوده است.

زنده باد کمونیسم

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - تشکیلات کانادا

۱۰ ژوئیه ۲۰۰۹

## گزارشی از تظاهرات باشکوه ۱۸ تیر در استکهلم ...

و آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش هستیم .

- ما خواهان محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت علیه مردم در سه دهه گذشته در دادگاههای منتخب و عادلانه مردم هستیم.

- ما خواهان برابری و آزادی کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی، لغو حجاب اجباری، لغو جدا سازیها و در هم شکستن آپارتمان جنسی هستیم.

- ما خواهان برابری حقوقی همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت هستیم .

- ما خواهان منجمد کردن تمامی حسابهای بانکی سران رژیم اسلامی در بانکهای بین المللی هستیم .

- ما خواهان رد اعتبار نامه رژیم اسلامی و اخراج نمایندگان در تمامی مراجع بین المللی هستیم .

- ما خواهان تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری هستیم. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

- ما خواهان پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار، پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی هستیم.

- ما خواهان طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان هستیم .

- ما اعلام میکنیم که تحقق خواستهای بحق و عادلانه مردم منوط به سرنگونی کامل رژیم اسلامی است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

مرگ بر سرمایه داری!

ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران - استکهلم

۱۸ تیر ۱۳۸۸ - ۹ جولای ۲۰۰۹

سران رژیم اسلامی باید بجرم سه دهه جنایت علیه  
مردم در دادگاههای مردمی محاکمه شوند!

## فریادهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زنده باد آزادی و برابری و رفاه" در تظاهراتهای لس آنجلس

در روزهای ۱۸ و ۲۱ تیر تظاهرات گسترده ای در لس آنجلس در مقابل ساختمان فدرال بنا به دعوت رسانه های این شهر برگزار شد که در آن هزاران تن از ایرانیان شرکت داشتند.

حزب اتحاد کمونیسم و سازمان آزادی زن در این تظاهرات شرکت فعال و موثر داشت. فعالین و دوستاناران حزب و سازمان آزادی زن با پرچمهای حزبی و پرچمهای محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران در این تظاهرات شرکت کردند که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفتند. در این تظاهرات صدها اطلاعیه انگلیسی حزب در مورد تحولات سیاسی اخیر در ایران و همچنین قطعنامه پیشنهادی حزب در میان شرکت کنندگان توزیع شد. یک ویژگی این تظاهرات حمایت وسیع مردم از شعارها و فراخوانهای حزب بود. مردم با شور و علاقه فراوان این شعارها را تکرار میکردند و فریادهای مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر این حکومت ضد زن، مرگ بر این حکومت فقر و فلاکت، مرگ بر این حکومت مذهبی، مرگ بر این حکومت ضد کارگر و استثمارگر و شعار کلیدی زنده باد آزادی، برابری، و رفاه از جانب جمعیت بکرات تکرار میشد. در هر دو تظاهرات قطعنامه های پیشنهادی حزب قرائت و به تصویب جمعیت شرکت کنندگان رسید.

علی جوادی، دبیر کمیته مرکزی حزب، در تظاهرات یکشنبه ۲۱ تیر سخنرانی پرشوری کرد. علی جوادی با این جملات آغاز کرد که مردم روزی را تصور کنید که اعلام شود رژیم اسلامی سقوط کرده است. روزی را تصور کنید که اعلام شده است آزادی، برابری و رفاه سهم همگان است،

قانون اساسی کشور است. دیگر از زندانی سیاسی، اعدام، سنگسار، فقر و فلاکت و نابرابری و تبعیض خبری نیست. همگان آزادند. همگان برابرند، همگان مرفه اند. سخنرانی علی جوادی مورد استقبال گسترده شرکت کنندگان قرار گرفت. در ادامه قطعنامه پیشنهادی حزب قرائت و مورد تصویب جمعیت قرار گرفت. علی جوادی با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری و رفاه سخنرانی خود را به پایان رساند.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری تشکیلات آمریکا

۱۱ ژوئیه ۲۰۰۹ - ۲۱ تیر ۱۳۸۸

### قطعنامه شرکت کنندگان در تظاهرات ۱۸ و ۲۱ تیر لس آنجلس

ما شرکت کنندگان در تظاهرات ۲۱ تیر از مبارزات مردم ایران برای "آزادی، برابری و رفاه" و سرنگونی رژیم اسلامی حمایت میکنیم.

ما سرکوب وحشیانه مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم بیخاواسته ایران را محکوم میکنیم.

ما رژیم اسلامی را بخاطر زن ستیزی، اعمال حجاب اسلامی، و تحمیل آپارتاید جنسی محکوم میکنیم.

ما رژیم اسلامی را بخاطر اعمال سه دهه حاکمیت سیاه مذهبی بر جامعه محکوم میکنیم.

ما رژیم اسلامی را بخاطر تحمیل فقر و فلاکت و بی خانمانی بر مردم محکوم میکنیم.

ما رژیم اسلامی را بخاطر نقض حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی و اجتماعی محکوم میکنیم.

ما رژیم اسلامی را بخاطر نقض حقوق پایه ای و شناخته شده کارگری، حقوق زنان و حقوق جوانان محکوم میکنیم.

ما خواهان آزادی فوری و بدون قید شرط کلیه دستگیر شدگان و آزادی تمامی زندانیان سیاسی هستیم. ما خواهان لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد هستیم.

ما خواهان جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش، لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشأ مذهبی دارند، آزادی مذهب و بی مذهبی و یک نظام سکولار هستیم.

ما خواهان آزادی بیان، آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب برای همگان هستیم.

ما خواهان محاکمه تمامی سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم در سه دهه گذشته در دادگاههای منتخب و عادلانه مردم هستیم.

ما خواهان برابری و آزادی کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی، لغو جدا سازیها و در هم شکستن آپارتاید جنسی هستیم. خواهان آزادی پوشش، لغو حجاب اجباری و آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش هستیم.

ما خواهان برابری حقوقی همه شهروندان، صرفنظر از

جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت هستیم.

ما خواهان منجمد کردن تمامی حسابهای بانکی سران رژیم اسلامی در بانکهای بین المللی هستیم.

ما خواهان رد اعتبار نامه رژیم اسلامی و اخراج نمایندگان در تمامی مراجع بین المللی هستیم.

ما خواهان تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری هستیم. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

ما خواهان پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار، پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی هستیم.

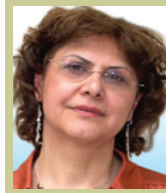
ما خواهان طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان هستیم.

ما اعلام میکنیم که تحقق خواستهای بحق و عادلانه مردم منوط به سرنگونی کامل رژیم اسلامی است.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد آزادی، برابری، و رفاه!**

این قطعنامه در تظاهرات ۱۸ و ۲۱ تیر لس آنجلس به تصویب شرکت کنندگان رسیده است.

در نحوه لباس پوشیدن و سبک زندگی است. آزادی بمعنای آزادی بی قید و شرط بیان، تشکل و تجمع، آزادی در انتقاد و اعتراض، آزادی در مذهب و بی مذهبی و آزادی پوشش است.



## آزادی، برابری، رفاه چکیده خواست مردم

آذر ماجدی

برابری بمعنای نه به تبعیض جنسی، نژادی و قومی، نه به نابرابری انسانها در بهره مند شدن از مواهب زندگی است. بمعنای برابری تمام انسان ها صرف نظر از جنسیت، نژاد و ملیت است.

رفاه بمعنای نه به فقر و فلاکت، نه به مشقت هر روزه برای تامین معاش است. رفاه بمعنای برخورداری از یک زندگی انسانی و مواهب آن، برخورداری از مسکن، آموزش و پرورش و بهداشت مناسب و رایگان است.

آزادی، برابری، رفاه نه تنها خواست و تمایل واقعی مردم را بیان میکند، بلکه همچنین دارای یک قابلیت بالا در متحد کردن مردم در مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی است. طرح و بیان گسترده این شعار نقطه توقف هایی که دو جنبش دیگر در مقابل مردم میگذارند را خنثی میکند. طرح و اشاعه این شعار موجب رادیکالیزه شدن مبارزات مردم میشود و سدی محکم در مقابل حاکمیت دو دیدگاه ارتجاعی ملی - اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب بر مبارزات مردم علیه رژیم اسلامی ایجاد میکند. آزادی، برابری، رفاه را به شعار اصلی مبارزات مردم بدل کنیم.\*

میجویند. در واقعیت امر افق کمونیسم کارگری بر افق اکثریت مردم منطبق است. باید کوشید که این افق با وضوح و صراحت بیان شود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری خواست آزادی، برابری، رفاه که مطالبه اکثریت مردم است را بعنوان یک خواست فوری و یک حلقه در مبارزه علیه رژیم اسلامی و سازماندهی انقلاب کارگری طرح کرده است.



آزادی بمعنای نه به اختناق و سرکوب، نه به زندان سیاسی و شکنجه، نه به دستگاه پلیسی سرکوب، نه به دخالت در زندگی خصوصی شهروندان، نه به حجاب اسلامی، نه به محدودیت های قانونی و دولتی

طلبانه میکوشند مبارزات مردم را به سوی قدرت یابی خود منحرف سازند. این جنبش با ملی - اسلامی ها در بنیان و اساس مشترکند. اینها هر دو دشمن آزادی و برابری و رفاه مردم اند.

کمونیسم کارگری رو به جلو دارد. آزادی و برابری واقعی مردم افق این جنبش را میسازد. کمونیسم کارگری دشمن نابرابری، فقر و فلاکت، اختناق و سرکوب، جهل و خرافه مذهبی و ملی و دستگاه

سه جنبش اجتماعی برای حاکمیت افق خود بر جامعه میکوشند: ملی - اسلامی، ناسیونالیسم پرو غرب و کمونیسم کارگری. دو جنبش اول رو به عقب دارند و در تلاشند که افق تنگ و نابرابر خود را بر مبارزات مردم حاکم کنند. هر روز یک نقطه توقف جدید در مقابل تعمیق و رادیکالیزه شدن مبارزات مردم قرار میدهند. جنبش ملی - اسلامی مدام در تقلا است تا مردمی را که در کمین جمهوری اسلامی نشسته اند در نیمه راه متوقف کند. میکوشد رژیم اسلامی با موسوی و بدون احمدی نژاد را به مردم حفته کند. تمام هم و غم اش اینست که مانع اعلام شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" شود. اصلاح طلبی دولتی تمام افق اینها است. نقدشان به خامنه ای اینست که تداوم سیاست کشتار و سرکوب وحشیانه مردم، نظام را به خطر میاندازد و مردم را به سوی سرنگونی سوق میدهد. عاملین سرکوب و کشتار مردم در دو دهه اول حیات رژیم و سازمان دهندگان دستگاه شکنجه و سرکوب آن بعنوان رهبران و سخنگویان ریز و درشت این جنبش عرض اندام کرده اند. موسوی، کروبی، خاتمی، جاریان، منتظری، گنجی، مخملباف و قس علیهذا این صف را تشکیل میدهند.

جنبش ناسیونالیسم پرو غرب در پی احیای رژیم سابق با شاه یا بدون شاه است. میخواهد انتقام خود را از مردمی که نظام آنها را به زیر کشید، بگیرد. میخواهد یک نظام سرکوب و استثمار دیگر، حال مدرن تر و غربی تر در ایران مستقر سازد. "مرگ بر جمهوری اسلامی" نزد اینها یعنی زنده باد رژیم سابق. اینها زخم خورده اند. مردم نظام شان را به زیر کشیدند. اینها در خیزش قهرمانانه مردم فرصتی برای احیای قدرت دیده اند. فرصت

سرکوب طبقاتی است. کمونیسم کارگری خواهان برقراری نظامی است که مبنای نابرابری و استثمار را نابود میکند. کمونیسم کارگری خواهان یک انقلاب کارگری است. زیرا فقط یک انقلاب کارگری پیروزمند قادر است آزادی و برابری واقعی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را برای همه مردم تامین کند.

کمونیسم کارگری امیال و خواست های عمیق و پایه ای مردم را بیان میکند. کمونیسم کارگری بیانگر خواست های اکثریت مردم است، مردمی که در کمین رژیم اسلامی نشسته اند و از هر فرصتی برای ابراز تنفر و انزجار شان از این رژیم سرکوبگر و جنایتکار بهره

## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)



## امروز هیجدهم تیر ماه اینجا تهران است!

کامران پایدار

امروز پنجشنبه هیجدهم تیر ماه است. از دیشب دوباره چهره شهر عوض شده، سیمای اعتراض و مقاومت و شور انقلاب در همه جا می جوشد. دیشب همچنان مردم و جوانان محلات و خیابانهای ستارخان در پشت بام ها شعارهای مرگ بر دیکتاتور، همسایه همسایه حمایت، 18 تیر یادت نره و بعضا اله و اکبر می گفتند. در شهرک آپادانا هم اوضاع بر همین روال بود. مردم و جوانان در پشت بامها با شعارهای مرگ بر دیکتاتور و اله و اکبر حاضر بودند. در جنت آباد در بعضی مناطق شعارهای مرگ بر خامنه ای هم به گوش می رسید. پریشب پس از اولین سخنرانی احمدی نژاد قاتل در تلویزیون دولتی بسیاری از مردم مناطق آریاشهر و ستارخان تا میدان توحید با شعارهای اله و اکبر و مرگ بر دیکتاتور در پشت بامها حاضر شدند. دیشب در برخی از مناطق بلوار فردوس در ساعات پایانی شب تعدادی از سطلهای بزرگ زباله به آتش کشیده شد. آتش تا دم دمای صبح شعله می کشید تا قبل از روشن شدن هوا سطلهای سوخته شده توسط ما موران شهرداری با نظارت مزدوران انتظامی بسرعت جمع اوری و مناطق فوق بسرعت نظافت شده و بلا فاصله سطلهای زباله جدیدی جایگزین شدند. از همان اولین ساعات امروز در بین جوانان و مردم دهان به دهان می چرخید امروز ساعت 4 عصر میدان انقلاب، امروز عصر میدان هفت تیر، ستارخان و... اخبار ساعت و محل تجمعات امروز دهان به دهان می گشت و می رفت.

از عصر دیر وز چهارشنبه مراسم عنتر چرخانی ارازل و اوباش حزب اله و بسیج و پاسداران جانی در سطح شهر شروع شده. انواع نیروهای مزدور و سرکوبگر به حالت آماده باش در

در خیابان کریم خان حتی تا 12 شب برخی سطلهای بسیار بزرگ زباله که توسط جوانان و مردم به آتش کشیده شده بود همچنان در آتش و دود می سوخت. در این لحظات دود زیادی خیابان کریم خان را انباشته بود. در این میان صدها نفر از پاسداران چماق بدست ابتدای بلوار کشاورز و میدان ولیعصر را مسدود نموده و اتومبیلها را بازرسی می کردند. کمی آنطرف تر در ابتدای خیابان کریم خان در حالیکه صد ها نفر پاسدار و بسیجی چماق به دست مستقر شده اتومبیلها و مردم را بازرسی می نمودند. امروز عصر در خیابان امیرآباد شمالی و کوی دانشگاه دانشجویان و مردم تجمعات اعتراضی چند هزار نفری پر شوری بر پا داشتند. در حاکیکه کوی دانشگاه در محاصره هزاران نفر از انواع مزدوران

پلیس ضد شورش، بسیجی ها و پاسدارها و لباس شخصی ها بود کار به درگیری، تیر اندازی و پر تاب گاز اشک آور کشید. در این محل بانک پارسیان و صندوق قرض الحسنه ثامن النمه اوباش اسلامی هدف حمله جانانه قرار گرفت. شیشه و برخی از تجهیزات ات این مراکز فساد سرمایه درهم شکسته شد. در ساعت 12 شب در کوی دانشگاه صحنه دود و اعتراض، آتش و طغیان همچنان شعله می کشید. خیابان آزادی، ستارخان و میدان توحید نیز همچنان تا پاسی از شب صحنه حضور گله هایی از موتورسواران اوباش پاسدار و بسیجی بود. هر یک از گله های موتور سوار توسط دهها دستگاه خود رو تویوتا که هر یک انباشته از پلیس ضد شورش بودند همراهی می شدند.

پنجشنبه هیجدهم تیر ماه



**پیروزی و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، ثانیاً جریانات اپوزیسیون راست و ملی - اسلامی را ایزوله و حاشیه ای کرده و ثالثاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقع بینانه و قابل تحقق بنگرند.**

**تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی ما است.**

# ۱۸ تیر ، تهران

پدرام نواندیش

الو سلام . منم پدرام .  
سلام پدرام جان .. چطوری ؟

خوبم . فقط خواستم بگم به برو بچه ها بگو امروز از ساعت 5 تظاهرات شروع میشه . همگی بیابین . سعی کن به کسان دیگری هم اطلاع بدهی . امروز 18 تیر است .

باشه بگو کجا قرارمان باشد .  
ابتدای اسکندری شمالی خوبه؟

آره ... پس سر ساعت 5 نیش خیابان اسکندر ری شمالی . یادت باشه موبایل ها مطابق همیشه قطعه . سعی کن دیر نکنی .

با عجله نهاری را می خورم و حرکت میکنم . ساعت 5 عصر روز پنج شنبه 18 تیر ماه 1388 است

نزدیک میدان انقلاب نیش خیابان اسکندری شمالی تعداد زیادی زن و مرد . پیر و جوان ؛ انگشت های خود را به نشان پیروزی بالا برده اند و شعار های مرگ بر دیکتاتور .. دولت کودتا استعفا استعفا . مردم چرا نشستین ؛ ایران شده فلسطین .... یک صدا فریاد میزنند .

دست دوستم را میگیرم و به میان جمعیت رفته و با فریاد مرگ بر دیکتاتور را به جمعیت می پیوندیم .

فریاد های جمعیت حاضر از سوی سر نشینان اتومبیل ها ؛ بی پاسخ نمانده و آنان نیز دست های خود را به نشان پیروزی بیرون میآورند و بوق های اتومبیل ها با

آهنگ شعار مرگ بر دیکتاتور طنپینی دیگر به خود میگیرد .

آن سوی جمعیت تعدادی اونیفورم پوش های سرکوبگر به صف ایستاده اند و منتظر بر دستور برای حمله به صف تظاهر کنندگان هستند .

جمعیت به سوی چهار راه نواب در حرکت است که ما به اتفاق رفقای دیگر به سوی میدان انقلاب و دانشگاه تهران حرکت میکنیم . ماسکهایی را که خریده بودیم بر روی دهان و بینی خود میزنیم .

نزدیک میدان انقلاب است . بالغ بر چند صد نفر گارد ویژه و لباس شخصی اطراف میدان انقلاب ؛ صف کشیده اند . از جمله پل هوایی عابرین پیاده را سد کرده اند . مردم از سمت دیگر پل به بالا ی پل برای خود راه باز میکنند . هنوز از پل پایین نیامده که حمله نیروهای سرکوبگر آغاز میشود و مردم را بی خود و بی جهت مورد ضرب و شتم قرار میدهند . که همین موجب بریدن ارتباطم با رفقایمان میشود .

به راهم ادامه میدهم . جوانی حدود 23 ساله در میان صفوف نیروهای سرکوبگر گیر میکند و آنها بی رحمانه باطوم های خود را بر سر و صورت جوان فرود می آورند که ناله های جوان چند خانوم را به اعتراض وای می دارد . مزدور چند ستاره به دوش به سوی خانم ها حمله میکند و چند باطوم بر کتف های خانمی که حدود 50 ساله است فرود می آورد . جیغ خانم ها و فریاد های آنها جمعیت را به ول وله بیشتری میکشاند که این بار بر نیرو های سرکوبگر به طور وحشیانه ای مردم را مورد هجوم خود قرار میدهند . خانم 50 ساله همچنان از درد می نالد و به هنگام

ناله کردن به آنها بد و بیراه می گوید . دخترش دست او را گرفته و با خود میبرد .

هر چه به سمت دانشگاه نزدیک می شوم ؛ تعداد اونیفورم پوش های ستاره دار و لباس شخصی ها زیاد تر میشود . راه را بر هر تجمعی سد کرده اند . در خیابان 16 آذر پیر مردی حدود 60 ساله را بر روی آسفالت خیابان ؛ کشان کشان به سمت اتومبیل گشت می آورند .

صحنه کشیده شدن پیر مرد بر روی آسفالت خیابان و خونین و مالین شدن پشت پیر مرد ؛ آتش خشم درون هر بیننده ای را شعله ور تر میکند و بی مهابا فریاد بر می آورد :

ولش کنید بی شرفا . ولش کنید مزدور ها.....

یکی دو مزدور دیگر با لگد بر شکم پیر مرد بیچاره که انگار جوان ها را در مغازه اش پنهان کرده بود ؛ میزنند . فاشیست ها به سوی جمعیتی که شاهد اعمال سبعانه آنان بودند ؛ هجوم می آورند و با باطوم بر سر و دست جمعیت می کوبند .

به سوی خیابان جمال زاده بر می گردم .

جمعیت افزون شده اند . برای دقایقی رفقایم را باز می یابم و با هم در درون جمعیت قرار میگیریم و شعار های مرگ بر دیکتاتور.....طنپین انداز خیابان انقلاب - آزادی شده است . از سمت چهار راه نواب فاشیست ها به جمعیت حمله میکنند . زن و مرد ؛ پیر و جوان برای در آمان ماندن از یورش سبعانه مزدوران اسلامی به سمت خیابان های اطراف می گریزند . خیابان فرصت ؛ خیابان اسکندری شمالی و تمام خیابانهای اطراف میدان انقلاب



؛ صحنه جدال مزدوران حکومتی با مردم میشوند .

بر سر هر چهار راه که مردم جمه میشوند بعد از دقایقی موتور سوار های وحشی سر میرسند و در حال تردد نفر پشت سرش با باطوم بر سر و شانه تظاهر کنندگان می کوبند .

دامنه تظاهرات هر دم افزوده میشود . شعار های مردم از مرگ بر دیکتاتور به مرگ بر خامنه ای تغییر میکند . مردم فریاد میزنند :

مرگ بر خامنه ای ... زندانی سیاسی آزاد باید گردد . در چهار راه

فرصت به دام پزشکی در گیری میان تظاهر کنندگان و نیرو های سرکوبگر به اوج خود میرسد . سرکوبگران از فاصله دور ؛ گاز اشک آور به سوی جمعیت تظاهر کننده ؛ شلیک میکنند . اما جوانها در کمترین زمان سطل های زباله را به آتش میکشند . شعله های آتش در سر تاسر خیابان حضور جمعیت خشمگین را فریاد میزنند .

نو جوانی حدود 17 سال به سرعت زیر درختی می رود و بطری ای شیشه ای را در آورده و برایش فتیله ای می سازد .

در کمترین زمان ممکن کوکتل مولوتفی را آماده می سازد .

جوانها چند بلوک سیمانی را به میان خیابان

## ۱۸ تیر ، تهران ...



### ترانه عزیز،

تو دنیا را تکان دادی! تو و ندا سمبلی شدید از آزادمندی و جسارت زنان! و آنها، آن وحشی‌ها ریپیست اسلامی، جزو کثیف‌ترین چهره‌ها و سمبل حکومت اسلامی اند! این کارنامه اسلام در کره خاکی است!

تجاوز در زندانهای رژیم جدید نیست. تو اولی نیستی! صدها مانند تو، آزادمندان و سوسیالیستها و انقلابیون، توسط اینها قبل از اعدام مورد تجاوز قرار گرفتند. این اسلام است که زن ستیزی و زن آزاری و زن کشی شناسنامه‌آست.

نمیدانم با انتشار خبر ترانه موسوی چندین میلیون چشم اشک ریختند! چه تعداد بیشمار قلیشان با تو و مادر و پدر عزیزت بود که در بیمارستان بستری شده است! آیا هنوز توانسته‌اند از این "خبر" نفرت انگیز و فکر کردن به ترانه حتی برای دقایقی خلاص شوند؟ بعید میدانم. من نشدم! امروز تو، مادر و پدر و خانواده ات، احساس محبت و همدردی عمیق و انسانی میلیونها انسان شریف و تشنه آزادی را با خود دارید. مطمئن باش کارشان را تمام میکنیم. بجرم جنایت، کشتار جمعی، ترور و تجاوز محاکمه‌شان خواهیم کرد!

### ترانه عزیز،

تو دنیا را تکان دادی! تو شاید کاری نکردی. اما برای آنها غیر قابل تحمل بودی! آنها به خیالشان تو را له کردند، اما تو چهره واقعی اینها را به دنیا نشان دادی! انقلاب زنانه ایران نام ترانه‌ها و نداها را در کنار سهراب‌ها و یعقوب‌ها بعنوان مبارزین پر شور آزادی و برابری ارج خواهد نهاد. آرزو میکنم هنوز زنده باشی!

سردبیر،



کشیده و راه را بر ماشین‌های عوامل سرکوب میبندند. چند دختر خانم بی‌مهابا در جلوی صف قرار میگیرند و فریاد‌های مرگ بر دیکتاتور را سر میدهند و جمعیت صدای فریاد هایشان را پاسخ میدهند. جمعیت آماده حرکت میشود. مزدوران راه را از هر طرف سد کرده‌اند. اما جوانان هوشمندانه صف تظاهرات را در موازی خیابان آزادی؛ به سوی میدان توحید به حرکت در می‌آورند. پیشاپیش صف تظاهر کنندگان همچنان خانم‌ها هستند که شعار هایشان جمعیت را به پاسخ وا میدارند. اتومبیل‌ها مجبور به توقف شده‌اند. دستان مسافری به علامت حمایت از تظاهر کنندگان بیرون است.

جمعیت دستانش را بالای سر خو برده و دست میزنند. و با آهنگی موزون مرگ بر دیکتاتور را شعار می‌دهند. تعداد جمعیت در قسمت‌ها و خیابانهای اطراف بالغ بر چند هزار نفر می‌شود.

از سمت خیابان اسکندری حمله مزدوران بار دیگر آغاز میشود. چند وانت از مزدوران سر میرسند. گاز اشک‌آور جوانان را آزار میدهد. بر سر چهار راه دو نفر از جوانان باز داشت میشوند. یکی از اوپاشان اسلامی با شمشیر ی در دست که آن را بالای سر خود می‌چرخاند؛ جوانان را تهدید به قتل میکند. در چند سوی صف تظاهر کنندگان که پراکنده شده بود؛ آن مزدور را هو میکنند.

دامنه تظاهرات به میدان توحید و چهار راه نواب کشیده میشود.

حکومت اسلامی عوامل سرکوبگر خود را از میان آدم‌های تنومند انتخاب کرده و آنان را برای سرکوب تظاهرات به خیابانها گسیل داشته است. خیا بان چهار راه نواب تا میدان توحید صحنه جدال بین جوانان و مزدوران میشود. سرتاسر خیابان مملو از آتش‌هایی است که برای مقابله با گاز اشک‌آور؛ افروخته شده است. ساعت 9 شب است

سرکوبگران خسته و درمانده شده‌اند که این بار نیروهای پایگاه مقاد با و حشیگری خاص خود؛ خیابانها را با موتورهای اربابانشان یکه تازی میکنند.

میدان آریا شهر مملو از عوامل سرکوبگر شده است. پارک کنار میدان صحنه درماندگی مزدوران است که در گوشه کنار پارک در میان تاریکی نشسته‌اند.

و اما جوانان و مردم آزادی خواه پیروزی دیگری را رقم زدند. تابو حکومت سرکوبگر و این فکر را که حرکت مردم را سرکوب کرده و دیگر کسی به میدان نخواهد آمد را با هم و با اقتدار شکستند

و این پیروزی مقدمه سرنگونی این حکومت جانی و آدم‌کش خواهد شد.  
\*

## ستون آخر

## ۱۸ تیر ده سال بعد!



علی جوادی

۱۸ تیر ۸۸ همانند ۱۸ تیر ۷۸ آغاز دیگری بود. این بار آغازی برای یک پایان. پایان عمر رژیم اسلامی. پایان سه دهه حاکمیت سیاه مذهبی. پایان سه دهه اختناق و سرکوب سیاسی مطلق. پایان سه دهه زن ستیزی و نابرابری زن و مرد در جامعه. پایان سه دهه حاکمیت سنگسار و اعدام. پایان سه دهه فقر و فلاکت و بی خانمانی و محرومیت. پایان سه دهه آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی.

تحولات حاضر حتی به کودن ترین مدافعین رژیم هم اثبات کرده است که دیگر رفتنی اند. زورهای آخرشان را میزنند. روز پیروزی نزدیک است. روز اعلام پایان جمهوری اسلامی را میتوان در انتهای این تونل اعتراضی دید. در این روند اتفاقات معینی را شاهد خواهیم بود. منظره ها بسرعت عوض خواهند شد. در مقابلمان زانو میزنند. التماس خواهند کرد. رنگ عوض میکنند. عریبه میکشند. تهدید میکنند. شرایط اضطراری اعلام میکنند. کودتا میکنند. حکومت نظامی اعلام میکنند. حکومت را میان خودی ها دست به دست میکنند. اما یک واقعیت غیر قابل انکار است. بن بست شان لاعلاج است. رفتنی اند. مساله ای اگر هست این است که آیا خلع ید سیاسی از رژیم اسلامی با خلع ید اقتصادی از نظام سرمایه داری همزمان خواهد شد؟ ما برای همزمانی نابودی حاکمیت اسلامی و حاکمیت سرمایه تلاش میکنیم.\*

میگویند تاریخ دو بار تکرار میشود. یک بار بصورت تراژیک و یکبار هم بصورت کمدی و مضحک. اما از فرار این قاعده و تبیین عمومی در قبال رویدادهای ۱۸ تیر صدق نمیکند. نه ۱۸ تیر ۷۸ رویدادی تراژیک بود و نه اعتراضات ۱۸ تیر اخیر یک واقعه مضحک!

۱۸ تیر ۷۸ سرآغاز ابراز وجود جنبش علنی و گسترده توده های مردم سرنگونی طلب بود. جنبشی که دیگر بطور مستقل از جدال جناحهای رژیم اسلامی ابراز وجود کرد. حکم سرنگونی رژیم اسلامی را صادر کرد و به تحولات موجود در جامعه محتوا و مضمون روشنی بخشید. آن روزها را بسیاری "شش روزی که رژیم اسلامی را لرزاند" نام گذارند. آن روزها در تاریخ تحولات سیاسی ایران ثبت شد. اما ده سال بعد جامعه در آستانه ۱۸ تیر شاهد رویداد تاریخی دیگری بود. رژیمی که با تمام وحشیگری تهدید میکرد. خط و نشان کشید. چنگ و دندان نشان داد. اوباش چماق دارش را به رخ کشید. و اعلام کرد که هرگونه تلاش اعتراضی را "له" خواهد کرد و برای سرکوب آماده شد. تهران مرکز درگیری بود. رژیم به بهانه آلودگی هوا کلیه واحدهای اداری و صنعتی را تعطیل اعلام کرد. خواستار خانه نشین شدن مردم و خروج آنها از تهران بود و در عین حال در تلاش برای گرد آوری و بسیج تمامی ظرفیتهای سرکوبگرانه خویش آماده شدند.

در طرف دیگر، مردم هم اعلام کردند که به مقابله برخوانند خواست. تلاشی همگانی در خارج و داخل همزمان شکل داده شد. طرفین آماده شدند. فاکتور غافلگیری و انتخاب زمان مناسب درگیری و جدال از دستور خارج شده بود. هر دو طرف آماده بودند که به میدان جنگ بروند. تهران و برخی از شهرهای بزرگ شاهد درگیری گسترده هزاران هزار نفر مردم با رژیم اسلامی بود. رژیم اسلامی میکوشید تا با سرکوب خونین مردم در ۱۸ تیر پرونده ده ساله جنبش سرنگونی طلبانه مردم را ببندد. نقطه پایانی بر این جنبش و تقلاي مردم بگذارد. مردم هم میدانستند که به پای جدالی تعیین کننده میروند. شکست مترادف تضعیف صفوف و عقب نشینی مقطعی بود.

جدال ۱۸ تیر ۸۸ یک نقطه عطف در تحولات سیاسی و فرازی در خیزش اخیر توده های مردم شد. اعتراضات در میدانی اصلی شهرها و محل تجمعات همیشگی شکل گرفت. اعتراضات رادیکال و نشان از عزم مردمی بود که در آغاز راهی هستند که پایانش پایان حاکمیت سیاه رژیم اسلامی است.

۱۸ تیر ۸۸ بی تشابه به ۱۸ تیر ۷۸ نبود. در این اعتراضات نیز آنچه برجسته بود قدرت اعتراضی مردم بود. خواست و تلاش برای سرنگونی رژیم اسلامی. جریانات اصلاح طلب حکومتی در این تحول باز هم به گوشه ای پرتاب شدند. علیرغم تاکیدات و التماس هایشان مبنی بر رعایت قوانین اسلامی و مسالمت آمیز بودن اقدام مردم، کسی وقعی به این تقلابها نگذاشت. به جدال رژیم رفتند و شکست نخوردند.

## آدرس تماس با مسئولین حزب اتحاد کمونیسیم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

[Ali\\_Javadi@yahoo.com](mailto:Ali_Javadi@yahoo.com) Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی

(علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com) [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرین رمضانعلی)

[nasrin\\_ramzanali@yahoo.com](mailto:nasrin_ramzanali@yahoo.com)

مسئول خارج کشور (آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید پستچی)

[x\\_magid@yahoo.com](mailto:x_magid@yahoo.com)

دبیرخانه (شراره نوری)

[markazi.wupi@gmail.com](mailto:markazi.wupi@gmail.com)

## به حزب اتحاد کمونیسیم کارگری کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank – N. America Routing  
Number : 121 000 248

Account Number: 36 48 46 88 52

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!